

قیام ۳۰ تیر تحریکهای پیروزمندانه از اتحاد عمل نیروهای خلق در مبارزه علیه امپریالیسم

۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ در تاریخ مبارزات کشورمان عنوان روز قیام توده‌ای و پیروزمند خلق در مقابل امپریالیسم ثبت شده است. در این روز مردم قهرمان مینمان در اعتراض به استعفای دکتر محمد مصدق از سمت نخست وزیری، پرشور و جان بکف به خیابانها ریختند و نشان دادند که در مبارزه با ظلم‌های امپریالیسم و ارتجاع زهیچ‌جا تقمات نمی‌کنند.

دکتر محمد مصدق که پس از ملی شدن نفت، در اردیبهشت ۱۳۳۰ به نخست وزیری رسیده بود، در فروردین ماه ۱۳۳۱ به لاهر رفت تا از حقوق مردم ایران در زمینه ملی کردن نفت و قطعید از امپریالیسم انگلیس دفاع کند. پس از دفاع در لاهر و قتل از - صدور رای به ایران بازگشت و سرزمین بقیه در صفحه ۱۷

انتخابات بسک "رستاخیزی"

در حالی که دوروز پیشتر به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات میاندوره‌ای مجلسین با صلاح شورای اسلامی باقی نمانده است تحریکها از جمهوری اسلامی در انتظار رسمی براندازی میلیونها رای را که می‌توانست اعتبار توده‌ها به رژیم و موقعیت مستحکم آن در میان توده‌هاست را در مقابل چشمشان خیره جهان بماند نمایش بگذارد. این انتخابات در شرایطی که میلیونها تن از توده‌های مردم بی‌قرار گذشت بیش از دو سال از حکومت جمهوری اسلامی ما هیت ضد خلقی و فترت‌گرا است رژیم را درک کرده‌اند و هرگونه اعمالی نسبت به آن را از دست داده‌اند. در شرایطی که عملکردهای این رژیم حسی بر بسیاری از توده‌های عقب مانده نیرووش شده است تا توجه به موضوع شرایط سازمانهای انقلابی و مترقی بدون استثناء این انتخابات را تحریر کرده‌اند. برگزاری می‌شود اما در اهمیت این انتخابات برای سراسر جمهوری اسلامی همین بس که آنها خود مصراحت اعلام کرده‌اند که این انتخابات برای آنها از اهمیت سرنوشت ساز برخوردار است آنها کین در هیچیک از انتخابات گذشته این همه امکانات مادی و معنوی این همه تبلیغات و وقتاوی، این همه بقیه دو صفحه ۲

موضعگیری‌های شوروی در قبال انقلاب ایران، نقض آشکار اصول انترناسیونالیسم پرولتاری

رژیم جمهوری اسلامی دیورشنی و حتی نه سرکوب خلق و نیروهای انقلابی - اشدید کرده است. روزی نیست که چندین از بهترین فرزندان خلق به جوخه‌های اعدام سپرده نشوند. روزی نیست که شاهد ترور و کشتار نیروهای انقلابی، خانه‌گردی و دستگیری مبارزان باشیم. رژیم دیگر به سرکوب عربان رو آورده است و هر مبارزه‌ای را به شدیدترین صورت سرکوب میکند. کشتار روحیانه خلق و نیروهای انقلابی اینک دیگر نه فقط در کردستان بلکه در سراسر ایران در کارخانه‌ها، مزارع، در کوچه و خیابان و توسط بنیادگانه‌های ضد خلقی رژیم ادامه دارد. در جنب شرایطی از سرکوبگری و کشتار بقیه در صفحه ۱۸

حمی چه گفت؟ (۳) حمی چه کرد؟ (۳)

مجلس مؤسسان درباره

از زمان آغاز طرح شعار انشائی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان بماند به یک شعار مرحله‌ی تبلیغی، این سوال مطرح شد که آیا این شعار حاصل بررسی و تحلیل اوضاع و احوال جامعه و محصول تحلیل مشخص از اوضاع شخص است یا شعار ریبست که از لایسلائی اوراق کتب و مطالعه تجربیات بین المللی جنبش طبقه کارگر (بویژه تجربه سوئیسال دمکراسی روسیه) گرفته شده است؟ هدف ما از این مقاله طرح و توضیح مانی تئوریک و ارائه تحلیل مشخصی است که شعاری را برای یک مرحله در دستور کار ما قرار داده است. به عبارت دیگر توضیح میدهم که منظور از یک مرحله چیست؟ چه ویژگیها و خصوصیات دارد و نتایج آدامه خواهد داشت؟ با اعتقاد ما انقلاب فدا میرا لیبی دمکراسیک ما سه وجهه گام "بهم پیوسته" بقیه در صفحه ۱۹

- جنبش جهانی
- جنبش کارگزاران
- کودتای بی دردمسیر
- بررسی و تحلیلی از جنبش کارگری در سال گذشته

رژیم جمهوری اسلامی، دیکتاتوری ارتجاعی یا دموکراسی انقلابی؟

مؤگ بر حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

آنگاه که انقلاب است که رسالت خودی

بینه از صفحه ۱

فشار رفته‌های مردم برای شرکت در انتخابات را بکار نگرفته بودند. آنچه که انتخابات اخیراً از تمام انتخابات گذشته رژیم جمهوری اسلامی و برقراری نهاد های آن متعاضد می‌سازد، توسل به شیوه‌ها نیست که این بار برای پیشبرد مقاصد خود بکار گرفته است و درست همین شیوه‌ها بی‌نیگمندی بی اعتباری رژیم و بی‌ثباتی سیاسی که متزلزل آن می‌باشد، در گذشته یعنی هنگامی که توده‌های مردم اعتمادی آمیخته به خوش‌باوری به رژیم داشته و هنوز تصور میکردند که از این ما مراده معجزه‌های ما خصه است نموده با زان جمهوری اسلامی به منظور دادن زدن به این توهمات ناشی از ناآگاهی نوده‌ها و گشادن سلبیونتها زحمتکش ایرانی بیای صندوقهای رای یکی از ابزار کشیده سیاسی و فریبکاری خود را بیرون می‌کشیدند و درست در آستانه انتخابات و رای گیری بسته به شرایط فدا میریال نیستند - دمکرات و غیره و دلگ می‌شدند. اما این بار همه پزده‌های تزویروریسا، تارلاتا نیم و عوام فریبی را بکار زده اند و مقدمات برگزاری انتخابات با اعدای بیای با زداشت‌های دستجمعی، فتوای خبی، زه چاقاران حزب اللهی در خیابانها، خانه‌گردیهای گسترده، تهدیدهای بی دریغ، اخراجهای مدام و... آغاز گشته است. اکنون دیگر برای رژیم مهم نیست که آبسا نوده‌ها با سبیل و رعیت بیای صندوقهای رای کشیده می‌شوند و یا تحت فشار و اجبار و محیط رعب و وحشت ۱۰۰ خود به تراژدی کسی موقعیت متزلزل خود با یکسپاه محدود توده‌های اش را درک می‌کند. مهم برای رژیم میزان آراشی است، که با سبیل برای نمایان شدن و صندوقهای رای بیرون آورده شود زیرا بیش از هر زمان دیگر در رابطه با موقعیت داخلی و بین المللی خود بیای نیاز است. رژیم جمهوری اسلامی اکنون بهمان مرحله‌ای رسیده است که رژیم‌های دیگر توری نظامی - فاشیستی آرژانتین، فیلیپین، پاکستان و مثالها از مدت‌ها پیش بدان رسیده‌اند. انتخابات کنونی رژیم جمهوری اسلامی همانند انتخابات قبلی پینوشته در شیلی، مارکوس در فیلیپین و ضیاء در پاکستان است که به قیمت ناسپوده ۹۰٪ آراء در حمایت از رژیم و رئیس جمهور از صندوقهای رای بیرون آورده شود و این میزان آراء باید سیاسی برقراری و تشدید حکومت ترور و اختناق، دیکتاتوری و سرکوب قرار گیرد.

شرایطی که انتخابات در آن برگزار میشود و شیوه‌هایی که حاکمیت به منظور پیشبرد مقاصد خود دیدان توسل جسته است از بسیاری جهات همان انتخابات فاشیستی قبلی نوعی رسالت خودی و بینوایان است. بخت ظریفی آورد.

همه سازمانها و گروههای انقلابی غیر قانونی شده‌اند. روزنامه‌ها و نشریات مخالف تعطیل شده‌اند. سزاها و شکنجه‌ها با لفت با رژیم گفتم سزاها در حد اعدام دارد. روزی نمی‌گذرد که تندی چند از انقلابیون ایران اعدام شوند. هزاران کارگر و روشنگر دستگیر و در زندان بر سر می‌زنند. کارگران و کارمندان مخالف را از کارخانه‌ها و ادارات اخراج و بازداشت می‌کنند. دانش آموزان، دانشجویان کارمندان و... در معرض انواع و اقسام

تهدیدها و پیگردها قرار دارند. جنسی که ناپیدا های با دوران جزیره خوار حکومت نظیر حزب شده و جناح راست اکثریت نیز از مزاجم حکومت دیکراته‌های شرایطی است که سرانجام جمهوری اسلامی با تهدید همه رابرتک در انتخابات قرار می‌خوانند. خمینی شرکت در انتخابات را یک وظیفه شرعی اعلام می‌کند و آنچه باعث با نجات مختلف سرپیچی از فرمان خمینی را محاربه با خدا، مخالفت با تاسلام و اسلام می‌داند و تا بیعت متعدد را در مورد سر نوشت کما نیکه در انتخابات شرکت نکنند بر سر زبانها انداخته‌اند. از هضم اکنون روشن است که در چنین شرایطی بفرض اینکه بخشی از توده‌های محروم از ترس از دست دادن کار روز زندگی خود و یا مجازاتهای احتمالی در انتخابات شرکت کنند روحا کعبیت و لواطتک با اندازه و حدین شرایط از صندوقها رای بیرون آورد. این انتخابات با اندازه یکسپزه هم بیای نگرانی اعتماد توده‌ها به حاکمیت و علاقه آنها شرکت در انتخابات و توهم آنها نسبت به تهدیدهای پارلمانی رژیم نیست معیار واقعی ارزیابی شرکت توده‌ها در انتخابات و میزان توهم و اعتماد آنها نسبت به حاکمیت، همان انتخابات است که به میانه دوره‌های ماه گذشته است که به تخیل یافته بود. با قاطعیت می‌شود آن گفت که تنها بورژوازی تجاری بخشی از خرده بورژوازی مرفه‌نشینی هراداران احزاب فرصت طلب با رسکا و نینز نشین محدودی از عقب مانده ترین توده‌ها نیروهای هستند که از رژیم حمایت می‌کنند. اما توده وسیع مردم با توجه به تجربیات گذشته خود همچون تومی نسبت به حاکمیت و از کارهای شما بندگان و پارلمانی آن ندارند و ما هیت خلقی و ددمکراتیک رژیم برای بسیاری از توده‌های مردم اقامت شده است بهر و اگر این انتخابات از دیدگاه شما نهایی است و مرفه‌نشینی می‌تواند سیاسی برای ارزیابی‌های تازه قرار گیرد، در عوض رژیم جمهوری اسلامی اهداف متعددی را در این انتخابات دنبال می‌کند. رژیم جمهوری اسلامی در این انتخابات با تندی اعتباری سیاسی و موقعیت مفتح داخلی و خارجی خود را با دل خوش کردن با آرا قبلی جبران کند. رژیم می‌کوشد بر اساس اینس آراء بخالفین داخلی و خارجی خود اعلام کند که هنوز از پیشی و وسیع شده‌های مردم برخوردار است. میخواهد و انمودا زده که به آراء مردم سنگی است و برای آنها احترام می‌گذارد. میخواهد نشان دهد که عزل بنی مدارا زریاست جمهوری نه نتیجه رقابت لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی، نه بفرمان خمینی و دارو دست حزب جمهوری اسلامی بلکه با تکیا خواست توده‌های میلیونی پرفدا رژیم صورت گرفته است و کمترین تردیدی نیست که شرکت کنندگان در انتخابات اخیر و میزان آراشی که به رئیس جمهور منتخب مکتبی داده می‌شود اگر بیش از میزان آراء بنی قدر و شرکت کنندگان در انتخابات دوره گذشته نباشد، باید در همان حد باشد و مطمئناً این آراء نیز از صندوقها بیرون کشیده خواهد شد. رژیم جمهوری اسلامی از جنبه دیگر نیز به آراء قبلی نسبتا زدارد. هر آنچه که میزان آراشی از صندوقها بیرون آورده شود بیشتر به همان نسبت رژیم توجیهی برای تشدید حکومت ترور و اختناق با اعدام، زندان و سرکوب خواهد یافت. اگر در این مجلس صلاح دیکراته‌های بورژوازی شرکت و وسیع مردم در انتخابات شما یا نگر توهم آنها

نسبت به تهدیدهای پارلمانی و بورژوازیست که توسل به تاکتیک با صلاح دیکراتی و از ادبخواهی و دیکتاتوری پوشیده و پنهان را از سوی بورژوازی ایجاب می‌کند، رژیمها شی نظیر پینوشه، مارکوس، ضیاء و امثالهم که در یک انتخابات قبلی و بدون ذره‌ای - یا بیگانه در میان توده‌ها ۸۰ تا ۹۰ درصد آراء را بدست می‌آورند، بعضی توسل به دیکتاتوری پوشیده و پنهان به سبب دیکتاتوری آشکارا رعیت و سلب استبدادی ترین حقوق و آزادیها متوسل می‌شوند. رژیم جمهوری اسلامی نیز اکنون در چنین موقعیتی قرار گرفته است از آنجا که پایگاه توده‌ای آن به سفاس وسیعی کاهش یافته است، و تنها راه بقا خود را در سرکوب و اختناق یافته است. هر آنچه میزان آراشی کنسه از صندوقهای رای بیرون آورده بیشتر باشد، بهمان نسبت بر شدت سرکوب خود و توسل به دیکتاتوری آشکارا خواهد افزود. اما در یک واقعیت نمیتوان فرود کرده آراء چند میلیونی قبلی و نسبت توسل به قهر و سرکوب رعیت را هیچ قادر نیست رژیم را ازین بست کنونی و سقوط حتمی نجات بخشد. رژیم جمهوری اسلامی در یک بحران عمیق اقتصادی و سیاسی گرفتار است، توده‌ها اعتماد خود را نسبت به آن از دست داده‌اند و دیری نخواهد پاید که زیر ضربات عمیارات توده‌های از هم خواهد پاشید و متلاشی خواهد شد.

حجاب کردن

بینه از صفحه ۲۰

و درست در چنین شرایطی است که ما مورین رژیم برای قطع برق منا طبق فقیر نشین که به زعم رژیم از برق غیر سر قانونی استفاده میکنند، گشیل میشوند و در یک نمونه (نفت آباد - جاده ساوه) ما مورین برق را با تفاق رئیس با زرسی یک با سدا برای قطع برق خانه‌ها می‌برود اما در اینجا با سقا و مت مردم و می‌بینند مردم محل آنها را بگروگان می‌گیرند. که در این اثنا عداها با سدا سر می‌رسند و درگیری بین مردم و پارلمان بوجود می‌آید. با سدا در این مدت به شلیک هوا می‌کنند و مردم که اکثر "زنان بودند آنها را محاصره میکنند. با لآخره با سدا در این محاصره عقب نشینی شده و تنها وقتی که قول میدهند برق آنها را قطع نکنند مردم گروگانها را آزاد می‌کنند. یک محاصره چند روزه در این ماجرا این بود که زنی زحمتکش در حالی که چوب خود را با لگرفته بود میگفت: "دیده دیکه گریز کردید با این چوب سر و کار دادید. خمینی بیکار گفت برق ما نپد، ما لاهم با بدیای گفته اش - با نیست."

رژیم ساک و جناح دیکتاتور جمهوری - اسلامی که در اعمال جناحیتا خود دست فدا خلقی ترین رژیم‌ها را از پشت بسته است و اعمال جناحیتا را نه اش نشانگر ما هیت اوست در سیاست‌ها و ما گیبی و مزورانه اش مزورترین و دروغگوترین رژیم‌ها را از پشت بسته است. آنها در حالی که با آلبونگ نشین‌ها، دکه‌داران مسافرتی با قضاوت و بیبرحمی رفتار میکنند برای آلبونگ نشین‌های آلمانی که میادرت به اشغال آراء رتما نه‌های شروشنندان کرده اند تا تک تصاح می‌بینند! آنها در حالیکه کمترین حق و حقوقی برای زندانیان سیاسی ایران قائل نیستند و هیچگونه معیاری برای محاکمه و دادرسی در نظر نمی‌گیرند و دختران و پسران سیزده و چهارده ساله را برخلاف تمام موازین بین المللی و بشری پس از بازداشت از زندانها بیرون می‌کنند

اخباری از صنعت نفت

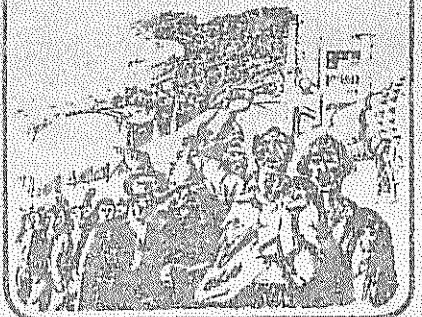
موفقیت کارکنان پالایشگاه هادر احقاق حقوق خویش

هیات سرپرستان شرکت ملی نفت در یکم و هفتاد و هفتمین جلسه خود موفقیت نمود که فوق العاده توبتکاری در محاسبه حقوق مربوط به مرخصی استحقاقی کارمندان منظور گردد. مبارزه کارکنان پالایشگاه هادر برای دریافت فوق العاده توبتکاری در زمان مرخصی مبتدیان بود جریان داشته اما شرکت نفت از پرداخت آن سرباز میزد. کارکنان پالایشگاه هادر، بخصوص پالایشگاه شیراز برای خواست پافشاری میکردند، تا اینکه درست قبل از اعتصاب غذای کارکنان پالایشگاه شیراز اطلاعاتی از سوی عبدالعلی گرانمایه سرپرست مورپا لایش منتشر شد که در آن اعلام شده بود، هیات سرپرستان شرکت ملی نفت موفقیت کرده است که حقوق فوق العاده توبتکاری در محاسبه حقوق مربوط به مرخصی استحقاقی کارمندان منظور گردد مشروط بر اینکه کارمندان قبل از اعزام به مرخصی بطور توبتکارانه انجام وظیفه کرده باشند. و بدین ترتیب مسئولین وزارت نفت در مقابل مبارزات کارکنان مجبور به عقب نشینی شدند.

لاوان

در تاریخ ۲۱/۴/۶۰ کارکنان جزیره هنگام ورود به رستوران کارمندان متوجه شدند که کلیه عکسهای رستوران بجز عکس آقای طالبانی از دیوار پائین

جنبش کارگری



اخبار کوتاه کارگری

در پی سرکوب وحشیانه و همه جانبه حزب جمهوری اسلامی که افت موفقیت در مبارزات کارگران را به دنبال داشت، اکنون پس از یک مدت کوتاه جرقه های اعتراض و حرکت جمعی کارگران آغاز شده و میروند تا به آشنی مهیبت تبدیل گشته و طومار رنگین سرما به داران رژیم حامی آنان را در خود میسوزانند. اخبار کوتاه رپر نشان دهنده این نمونه هاست.

تولیدار

روز دوشنبه ۲۲/۴/۶۰ کارگران یکی از سالنهای چک (۲۰۰ نفر) به علت گرمسای شدید دست به اعتصاب میزنند. اما به علت نبودن رئیس بخش تصمیم می گیرند که روز بعد مبارزه شان را ادامه دهند. صبح سه شنبه اول رفت آنها دست از کار کشیده و متحداً جلوی دفتر رئیس جنس میشوند. آنها تفرقه اندازی میسوزی سازشکار را خنثی کرده و خواستار رگولاسی برای قیمت شده و خواهان آمدن رئیس بخش به جهمان میگرددند. رئیس بخش وحشت زده از جمع کارگران استناد به تمام میفرستد که با کسی کاری ندارم اما در مقابل با یداری کارگران به حمله ای دیگر متوسل میشود. او و عواملش طرح می کنند که از نظرقی و بهداشتی امکان گذاشتن کولرنیست اما کارگران متحداً در اجرای خواستشان پافشاری کرده و اعضای انجمن و جاسوسان را افشا می کنند. مقاومت و مبارزه کارگران مسئولین را به عقب نشینی می نشاند و آنها با لافش قول میدهند که خواست کارگران را اجرا نمایند. کارگران تصمیم دارند که اگر تا ده روز کولرنیست نشود با ریدگردست به اعتصاب بزنند.

پارس الکتریک

بدنبال دستگیری کارگران کارخانه تهران در هفته قبل روز شنبه ۱۳/۴/۶۰ افراد انجمن اسلامی کارخانه کرج با یک توطئه حساب شده نزد نمایندگان شورا رفقه و خواستار اخراج و دستگیری عناصر فدا انقلاب میشوند. آنها سپس در حمایت سایر ناسداران به قسمتهای مختلف کارخانه رفقه و تک تک کارگران و بقیه در صفحه ۴

آورده شده و بر دیوارهای رستوران شعارهای گوناگون نوشته اند. از آنجمله نوشته شده بود "نفت ما در یکپد، بول آنرا اسلحه میخرند و جوانان را می کشند." این مسئله با عکس العمل شدید حاکمیت و ارگانهای آن در جزیره بند و چند روزی محیط رعیب و وحشت بر جزیره سا به افکنده در رابطه با این جریان اعلامیه هایی از سوی جهاد سازندگی لاوان، انجمن اسلامی شرکت نفت فلات قاره ایران - جزیره لاوان و گروهی از کارکنان مسلمان شرکت نفت فلات قاره ایران - منطقه لاوان (که همانا نجمی ها هستند) منتشر شده که هر کدام بنویسه خود این حرکت را محکوم کرده و خواستار پی گیری و مجازات عاملین آن شده اند.

تهران

پالایشگاه تهران در هفته های گذشته شاهد دستگیری تعدادی از کارکنان این پالایشگاه بخصوص نمایندگان شورا بوده است. در این رابطه شوری عملیات پالایش طی جلسه ای در تاریخ ۱۷/۴/۶۰ با تشکیل یک کمیته پی گیری متشکل از سه نفر کارکنان این پالایشگاه به آنها مسئولیت داده است. جریسان دستگیری و علت آنرا با مراجعه به مقامات مسئول روشن نموده و نتیجه را به اطلاع همکاران خود برسانند. همچنین در این جلسه تصریح شده است که هرگونه تغییر بنات کار رویا نقل و انتقالات افراد در سطح عملیات پالایش میا بد داخل شود نظارت شورا صورت گیرد و تصمیم گیرهای فردی موردنا شیند نخواهد بود.

مبارزه کارگران برق و آگنها علیه سیاستهای انجمن اسلامی

مکوت نمودند. آنگاه سفنگوی شورا گزارش عملکرد شورا را داد. سپس یکی از اعضای شورا به اسم پاشویه یکی مزدوران انجمنها علیه شورا و نمایندگان اشاره کرده و خواست کسانی که مخالف شورا هستند دلایل خود را ارائه دهند. یکی از جاسوسان خود گفت: "چون این شورا اسلامی نیست باید منحل شود، من از اسم اسلام خوشم نی آید و هر کس که مخالف باشد جلوش می ایستم". در جواب با ره گوشیهای وی یکی از کارگران به افشای گذشته این شخص پرداخته و ما هیت وی و صحبتها پیشرا توضیح داده همه تا شیدا میزبقتیسه کارگران شخص مذکور را از میدان بدر کرد. در این زمان مهندس فدکا رگور رئیس انجمن اسلامی بدفاع از وی پرداخت. لیکن کارگران با خشم انقلابی خویش به مقابله با وی پرداخته و وی را نیز افشاء کردند. بحثهای افشاگرانه کارگران با لاکریت و اتحادیان مستحکمتر گردید. اعضای انجمن به تکاپو افتادند و تلاش کارگران مانع تشنج و زودخورد در جلسه گردید. بدین ترتیب کارگران برق و آگنها یکبار دیگر با افشای سیاستهای فساد کارگری و سا و اک گونه انجمن اسلامی یکبار رجه در برابر آن ایستادند و بسا حفظ شکل انقلابی خویش آگاهسی و اتحاد انقلابی خود را به نمایش گذاشتند.

کارگران آگها و مبارز صنعت برق و تهویه و آگنها (راه آهن) با اعتصاب انقلابی خویش توطئه های ضد کارگری و ارتجاعی انجمن اسلامی را برای انحلال شورا به شکست کشانده و با حفظ شورای خویش مشت محکمی به دهان این مزدوران سرمایه کوبیدند. همزمان با یورش ددمشانه حزب جمهوری اسلامی برای سرکوب آزادیهای سیاسی و برقراری جوخفقان، انجمن اسلامی راه آهن تلاش خود را برای انحلال شورای واقعی و انقلابی شدت بخشید. آنها کوشیدند با بهانه های چون اسلامی نبودن شورا و... غیره کارگران را فریب داده و با جمع آوری امضا شورا را منحل نمایند. اما کارگران با آگاهی به این توطئه کشف در برابر آن ایستادند و از امضا خودداری کردند. آنگاه سعی کردند با اسم پاشی بر علیه نمایندگان شورا و با برپا سازی در جلسه مجمع عمومی شورا را منحل نمایند. روز ۲ شنبه ۱۶/۴/۶۰ مطابق معمول دو هفته یکبار جلسه مجمع عمومی برگزار گردید. در ابتدای جلسه کارگران با شناخت نسبت به اقدامات فدا انقلابی و وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی در اعاده ای غیر انسانی کارگران و زحمتکشان آگها و انقلابیون و در اعتراض به این اعمال، بیسواد برادر یکی از کارگران که به تازگی بوسیله رژیم اعدام شده، یک دقیقه

افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران



تفرو و خشم ز حمتکشان در برابر اعدای رژیم!

ویژه و تابع اخیر (۴) سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه گیلان
چهارشنبه ۱۷ تیرماه ۱۳۴۰

تنگابن

در سر راه ۶۰/۴/۷۷ خون پاک ۶ تن
از انقلابیون کمونیست بدست آدمکشان
رژیم جمهوری اسلامی بزمین ریخته شد.
اعدام جنایتکارانه این از هواداران
(چریکهای فدائی خلق) و یک نقسرازان
هواداران سازمان ما تفرو ز حمتکشان
تنگابن را نسبت به رژیم عمیقتر کرد.
با سداران سرمایه‌ها جدا انقلابیون را به
بیمارستان تنگابن انتقال میدهند
و به خانواده‌های شهدا میگویند که برای
تجویل اجساد به بیمارستان بروند.
وقتی خانواده شهدا به بیمارستان می
روند جمعیت زیادی نیز آنها را همراهی
می‌کردند. هر دم بر تعداد فریب افزوده
می‌شد. تفرو و نژار از رژیم سرکوب‌گروند
خلق جمهوری اسلامی سرپای مردم را فرا
گرفته بود. آنها به داخل بیمارستان
رفته و اجساد را تحویل می‌گیرند. بهنگام
حمل شهدا دیگر کسی را برای جلوگیری
از احساسات انقلابی مردم را نبود. آنها
در حالیکه شعارهای بی‌دری بر علیه
نظام جمهوری اسلامی می‌دادند از بیمارستان
خارج می‌شوند. ما آدمکشان و مزدوران
جیره‌خوار رژیم ما نند همیشه ما هیئت واقعی
خود را نشان دادند.

با سداران از دیدن مردم انقلابی
و خشمگین به وحشت افتاد و به تیراندازی
هواپی می‌پرداختند. آنها بدون توجه به
محیط بیمارستان و حشیا به شلیک کرده
و حتی راهروهای بیمارستان نیز از
گلوله با سداران در آمان نماند.
جلادان چون میدادستند که اجساد شهدا
به داخل شهر منتقل شوند امکان تظاهرات
عمومی می‌روند تصمیم می‌گیرند با تهدید
و تیراندازی اجساد را از خانه‌ها جدا
و مردم را زین بگیرند. آنها اجساد را به
نقطه‌ها معلومی برده و دفن می‌کنند.
وحشی‌گری با سداران نیکونه‌ای بود
که یکی از افراد بسیج با مشاهده آن به
گریه افتاد و می‌گفت: اگر جمهوری
اسلامی این است مرگ بر اینها و...
وقتی پرستاری که در مقابل بیمارستان
است، به پاسداری می‌گوید: تیراندازی
نکن چون بیمار قلبی در طبقه بسال
خواه بیده "با سداران با فضیلهای رکیک، به
وی جواب میدهد: "حرف بزنی مغز تسو
را با گلوله داغان میکنم. بهنگامی
که آنها اجساد را به داخل آمبولانس حمل
می‌کردند یکی از پاسداران آنها را به
مردم می‌گوید: ناراحت نباشید، امشب ۷ نفر دیگر
را تحویل می‌دهیم."

آری این است ماهیت واقعی
سداران انقلاب اسلامی، رژیمی که
تا این حد به فساد و وحشیگری و گندیدگی
آلوده شده باشد به بدیم که پاسداری
بدینگونه را به جان مردم می‌اندازد.

رودبار

کارگران مبارز کارخانه کفش
ملی به همراه کارگران مبارز کارخانه
کفش گنجه رودبار برای تحقیق حواسه -

های خود دست از کار کشیدند.
کارگران کفش ملی خواهان
تعمیلی پنجشنبه‌ها (۴۰ ساعت کار در
هفته) مینباشند و همین خاطر در روز
۴/۱۱ دست از کار کشیدند، این حرکت
از جانب کارگران کفش گنجه مسسورد
پشتیبانی قرار می‌گیرد و آنها نیز دست
از کار می‌کشند. اعتراض کارگران
شکوری، منیرعامل کارخانه کفش ملی
مجبور می‌شود در جمع کارگران حضور یابد
و با تهدید کارگران میخواهد که
پنجشنبه‌ها را هم به سر کار خود ببرد و
نه در مقابلشان ایستادگی خواهد کرد.
اما کارگران بسی توجه به تهدیدات
همچنان مسموم برخواستند با نشان
می‌کنند. شکوری به کارگران می‌گوید در
صورت نرفتن به سر کار به پاسداران
(سرمایه) متوسل می‌شوم. و پاسداران را
به کارخانه فرا می‌خواند.

با سداران کارگران می‌خواهند
که به سر کار رخصتی‌ها بروند. در مقابل
کارگران نیز خواسته‌ها نشان را مطرح
میکنند. اما پاسداران که ما موریتی
جز سرکوب کارگران و دفاع از منافع
سرمایه‌داران ندارند تصمیم می‌گیرند
برای پایان دادن به حرکت انقلابی
کارگران چند نفر از کارگران را دستگیر
کنند. کارگران دلبر برای دفاع از
کار خود در مقابل پاسداران سرکوب‌گر
ایستادگی و مقاومت میکنند. با سداران
نیز با مشاهده خشونت کارگران وحشت
کرده و به تیراندازی‌ها می‌پردازند
اما با زموقت نمی‌شوند در مقابل اتحاد
کارگران کاری زایش بریند و محسوسه
عقب نشینی شده و از کارخانه خارج
شوند.

پس از آن کارگران با شعارهای
انقلابی در سر کارها خود خفا کردند.
تصمیم می‌گیرند که از این پس را
مستقلاً پنجشنبه‌ها را تعطیل کنند.

برن گرز (رستم‌آب شهر)

در نیمه شب ۴/۱۳/۴۰ سداران
سرکوبگر حکومت برای دستگیری چند تن
از هواداران مجاهدین خلق خانه‌های
در برن گرز را سره کرده و شروع
تیراندازی‌ها می‌کنند. سپس با داخل
خانه رفته و چند نفر را دستگیر
بر اثر تیراندازی، هالی محل هر اسان
از خانه‌های خود بیرون آمده و با خشم و
تشنه بیطرف پاسداران فدخشی پورش
می‌برند. در همین هنگام پاسداران قصد
با زنی منزل شخصی را به راهی را داشتند
که با مقاومت سر سخت‌ها مواجه می‌شوند
آنها بیطرف پیرمرد مذکور تیراندازی
می‌کنند که در نتیجه وی در خون می‌نفتد و
نقش زمین می‌شود. نیروهای انقلابی از
همین فرصت استفاده کرده و با کمک بسی
دریغ مردم محل با وجودیکه به دست
پشان دستبند زده بودند فرار می‌نمایند.
که در حین فرار با پاسداری درگیر می
شوند و با شرکتش بین آنها تیری از
اسلحه پاسدار شلیک شده و وی را مجروح می
کند. این درگیری تا ساعت ۳/۳۰ با مداد
ادامه می‌یابد. در رابطه با این درگیری
همکاران کشتی‌ها را است با پاسداران
بر سر زبانها افتاد است و مردم منطقه
بشدت از خیانت اکثریت آنها را ست
می‌باشند تا جاییکه به خانه‌های اکثریتی
مشکوک حمله می‌کنند و نفوذ تخریب آنرا
دا شدند و صا حباخانه را تهدید به ترک محل
کردند.

اخبار کوتاه کارگری

پارس الکتریک بقیه از صفحه ۳

کارمندان را که مورد شک بودند،
دستگیری کنند آنها بر نامه یک تصفیه
کامل را تدارک دیده بودند. حتی به
مدیران هم رحم نکرده و تعدادی از
مدیران لیبرال هم به همراه کارگران
و کارمندان دستگیر می‌شوند. در پی
این عمل شورا و مدیریت با فرمت طلبی
نوشته‌ای را برای اعضاء در پی
کارگران میگرداند منشی بر اینک
ما (یعنی مدیران و شورا) خواستار آزادی
همکاران خود هستیم و تقاضای می‌کنیم که
محکمین اصلی اعضا با تخریب اخراج
گردند. کارگران مبارز پارس الکتریک
که پی برده بودند مدیران لیبرال با
این حرکت قحط‌دارند از نیروی کارگران
به نفع خود و علیه کارگران مبارز
استفاده‌ها پیدا از ماضی نوشته خود را
نمودند.

یکی از کارگران می‌گوید: "ما
پای این ورقه را امضاء نمی‌کنیم چون
همکارانی که منظور آنهاست اگر هم
بیکار شوند برای ما مهم نیست. چون
آنگونه دارند که می‌شوند ما آنها خوش
بگذرانند، مثال ما کارگران هستند
که نمی‌شوند خارج خانواده شان را
بدهند. ما بین ترتیب با مخالفت بیکارچه
کارگران، متن نوشته عوض شود در آن
کارگران خواستار آزادی کلیه همکاران
خود شدند."

کارخانجات مهمات سازی

در تاریخ ۴/۱۷/۴۰ بین یکی از
کارگران با یکی از حزب الهی ها
اختلاف پیش می‌آید. حزب الهی
با سداران را خبر می‌کند با سداران برای
دستگیری کارگر به قسمت می‌آیند.
کارگران قسمت با دستگیری کارگر
جزیور مخالفت می‌کنند آنها عملاً دست
از کار رکنند. و خواستار آزادی همکاران
میشوند. فالانژ جزیور سعی در فریب
کارگران میکنند و به آنها وعده میدهد که
همکاران شان تا عصر آزاد خواهد شد.
کارگران تیراندازی آزادی همکاران
با فشار می‌کنند. بالاخره تحت
فشار کارگران مجبور میشوند کارگر
فوق را به وادی آزاد کنند.

مقابله کارکنان پنهان با سرکوب

ادیرا " در شرکت پنهان بدنیال
اعدام خواهر شوهر خواهر یکی از
کارمندان عده‌ای از کارکنان ایمن
شرکت بی توجه به جو اخذاتی و سرکوب
رژیم جمهوری اسلامی در مراسمی که
برای بزرگداشت این شهدا برگزار شده
بود شرکت کردند. عمال ارتجاع که
انتظار چنین حرکتی را از جانب
شرکت به ارتش را نداشتند از این حرکت
به خشم آمده و اقدام به دستگیری ۴ تن
از همکاران شرکت نمودند و یکی دیگر
از همکاران را با قمه مجروح نموده
و دستگیر کردند لیکن فرد مجروح تحت
فشار زندانی از زندان آزاد و به
بیمارستان ارتش منتقل شد.

برای مقابله با توطئه‌های سرمایه‌داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...)
هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم

ذهنیت حاکم بر طبقه کارگر:

تنها نگا هی گذرا به وضعیت جنبش طبقه کارگر، سطح آن، اشکال مبارزه، تعصیب مبارزات و... خود به روشنترین وجه ذهنیت طبقه کارگر را نشان میدهد. در واقع این نگا گذرا روشنی نشان میدهد که پرولتاریا از قیام تا کنون با سیری فزاینده از حاکمیت در مجموع فاصله گرفته و تا حد زیادی از سبب توهمات رها گشته است. مجموعه تحولات سریع سیاسی اجتناب ناپذیر در این دوران، گشایش انقلاب و فدا نقلاب، مبارزات گسترده پرولتاریا و تجارب ناشی از آن، فعالیت وسیع نیروهای انقلابی و کمونیست، یمناً به عواملی موثر در تحول ذهنیت طبقه کارگر نقش داشته اند.

اما آنچه که در رابطه با تحول ذهنیت طبقه کارگر در یکسال گذشته بعینه دیده میشود، تسریع این پروسه بطرز بیسار چشمگیری بر دهن شده است. ماهیت رژیم جمهوری اسلامی بوده است. آزادی جاسوس آمریکا، ژنی روشن شدن نتایج مبارزه با اصطلاح "ضامن بریا لیستی" در عمل، بکار افتادن مجلس و شکل گیری ارگانهای حکومتی که سران رژیم از ابتدا بهبود شرایط را بدان موعکول میکردند، وقوع جنگ و ظاهراً شدن نتایج فلاکت بار آن، سرکوب گسترده تودهها از سوی رژیم، رشد جنبش توده ای در نقاط مختلف کشور و... همه و همه در این تحول سهم داشته اند. بدینسان میتوان جریات ادعا کرد که جز در مقاطعی کوتاه مسدودات نظیروا تعصب طبسی ویا جنگ توده کارگران در مجموع به فاصله شان با حاکمیت در ذهنشان افزوده اند.

اما بی شک این امر در مورد جناحهای مختلف حکومت به یکسان صدق ندارد. جناح حزب جمهوری اسلامی بنا به نقشی فاشنش در ارگانهای سیاسی حاکمیت، عملکردهای ارتجاعی آن از به اصطلاح انقلابیات فرهنگی در جامعه و کارخانجات، نتوانش در سازمان دادن امورات اقتصادی و سیاسی و سرکوب انحصار گسیخته تودهها، تا سراسر اندازنی فالانژها و با ندهای سیاه، به علاوه نقش ضد مکران تیک و ضد کاری انجمنهای اسلامی وابسته بدان در کارخانجات و فضا گیری انقلابیون و... غیره و در نهایت به شکل فرعی سیاسی تبلیغات لیبرالها علیه آن بخش از همه مورد تخریب تودهها قرار گرفته است.

بخشی از لیبرالها منجمله باورگان با توجه به تجربه عملی تودهها و اساساً عملکرد آنها در ذهنیت طبقه کارگر نهاد رند، اما توده کارگران به جوهر طبقه سیاسی لیبرال لیسم هنوز آگاهی نیافته اند. چرا که زمانی در مقابل بسی مدر و ضما ر "شورایی شورا" وی قرار میگرفتند، اما با او جگیری تفادهای حاکمیت و اتخاذ موضع ایوریسیون از سوی وی بخصوص پس از ۱۷ شهریور توهم کارگران را برمی انگیزد.

بقیه در صفحه ۶

ایران و طبقه کارگر

در قسمتی از صنایع ماشین سازی از جمله در کارخانجات جنرال موتورز، گروه صنعتی سایپا، بنزخا ورو و... مشاهده کردیم.

بسیکس در بخشهایی از صنایع دولتی که نقش حیاتی و استراتژیک دارند، هستند. دولت در برابر مبارزات کارگران خیلی سریعتر از صنایع دیگر مقسب نشینی داشته است. این امور را میتوان دریافت، صنایع دفاع ویا... بعینسه دید، بدینترتیب دولت سعی داشته به وسیله امتیازات و انجا مرفر مهاجسی سطحی مانع تحرک مبارزاتی کارگران این بخش و اعتلا مبارزاتشان گردد.

در بخش صنایع خصوصی بجزات میتوان گفت که در مدت تولید بدلیل وجود تقاضا برای کالاهای این بخش و با زرفسروش یا در سطح گذشته باقی مانده ویا حتی سیرافزایش یا بنده داشته است. در این رابطه کارگران این بخش از تحسرسرک مبارزاتی بالاتری برخوردار بوده اند لیکن سودهی بالای این بخش مقسب نشینی سرمایه داران را در برابر سر مبارزات کارگران سبب گشته است. از جمله در کارخانجاتی چون فیلیور، پوتان، پلاستی پان، درخشان، بیمان امقهای، پرنیت و... این وضع مشاهده میشود.

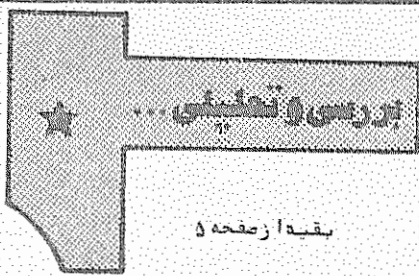
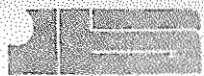
علاوه بر این عوامل عینی، فاکتورهای ذهنی نیز مشما "در مبارزات کارگران نقش داشته اند. از جمله میزان تجربه مبارزاتی، سن مبارزاتی، سطح آگاهی سیاسی، طبقه و نیز سطح تشکلی کارگران، حضور یا عدم حضور پیشروان و جریانهای سیاسی نقش موثری در مبارزات کارگران سبب شده اند. در دوران کارخانجات مختلف میتوان تا شیر این عوامل را در اشکال مبارزات، پیگیری بودن، وجود تشکلی و... ببوی مشاهده نمود. اما از این زاویه برررسی مبارزات طبقه کارگر ایران تنها مسیل نا موزون مبارزه طبقه کارگر در مناطق گوناگون صنعتی کشور نیز مشخو ریسازد. بدینترتیب در هر یک از مناطق صنعتی بنا به قدمت وجود کارخانجات در آنجا، تعداد کارگران و رابطه نزدیکی آنها با روستا و تا شیر آن در ذهنیتشان، جوان ویا قدیمی بودن از لحاظ میزان تجربه مبارزاتی، نوع تولید و تکنولوژی به کار گرفته شده و... مبارزات کارگران از پتانسیل و توانمندی متفاوتی برخوردار است. مثلاً "بطور عسنادی مبارزات کارگران در مناطق جنوب کشور چون آبادان و اهواز و سپس در تهران یا شهریزا ز تو ترا فزایش یا بنده ای برخوردار است، که در پی آن مبارزات کارگران سا بر مناطق چون گیلان، قزوین و غیره قرار میگردد.

مادر مبارزه های گذشته "کار جنبش طبقه کارگر ایران را در یکسال گذشته بطور اجمالی بررزی نمودیم. اکنون میگوئیم به برخی از جنبه های این جنبش پرداخته و آنرا دقیقتر مسورد ارزیابی قرار دهیم.

فعالیت مبارزاتی طبقه کارگر

هر چند بررزی عمومی جنبش کارگری در کلیت خویش مبارزات فزاینده پرولتاریای ایران را نشان میدهد، اما بدون شک بخشهایی از طبقه کارگر در این دوره از تحرک مبارزاتی بیشتری نسبت به سایر بخشها برخوردار بوده است. در یک بازنگری کلی میتوان گفت که تحولات سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی هم سهم و تا شیر بسزای در مبارزات طبقه کارگر دارد. از جمله در مقاطعی نظیر سبازت جنگ و... میتوان این تاثیر را در افت ویا تغییر حرکت نیروهای طبقه مشاهده کرد. در دوره گذشته وقوع جنگ با عادلانه بین دولتهای ایران و عراق بیشترین تا شیر را بر مبارزات کارگران بجای گذاشت. از سبب افت سنگین اما کوتاه مدتی بر حرکت کل طبقه کارگر موجود آورد و از تحرک مبارزات سیاسی کارگران شدت گاست. و از سوی دیگر از کار افتادن بخش عمده ای از صنایع کشور در منطقه جنوب که یکی از قطبهای سهم صنعتی است، بر حرکت بخشی از طبقه کارگر میهنمان اثرات مهمی به جای گذاشت. بدینترتیب که حرکت مبارزاتی پرولتاریای جنوب که از پتانسیل مبارزاتی بالایی برخوردار است، با ابتدا افت نموده و سپس همراه با خیل جمتکشان آواره مناطق جنگی مدتها برای تحقق بهداشت، مسکن و نان برای آوارگان "تخیر سمت داد. همچنین وجود بحران شدید اقتصادی که به در هم ریختگی صنایع کشور منجر شده، روند تولید را در بخشهایی از صنایع بدلیل کمبود مواد اولیه، تکنولوژی، سوخت و... که خود نتیجه ساخت وابسته صنایع ایران است، متوقف ویا شدت کاهش داده است. در بخشی از صنایع دولتی توقف ویا کاهش تولید بیش از سایر بخشها وجود داشته است. این امر به علاوه وجود ارتش عظیم ذخیره صنعتی یا خیل بیکاران، ناشی از متوقف ماندن پروژه های صنعتی، ساختنی، کشت و صنعت ها و... منبیا شد، خطر سیکاری را در این بخش از صنایع بسیار محتمل می نماید. به همین دلیل ترس ناشی از دست دادن کار و مواججه با فقر و گرسنگی عامل بازدارنده ای در تحرک مبارزاتی این بخش از کارگران محسوب میگردد. چنین وضعی را میتوان

یوتوان باد جنبش طبقه کارگر بیشتر از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلفهای ایران



بقیه از صفحه ۵

خود را از قیادایدئولوژی بورژوازی رها سازد، تنها تلاش بیگروهمه جا نبه نیروهای کمونیست در پیوند آگاهانه سوسیالیستی با جنبش خودی پیروان را میتواند نمود. این امر با تخاصم رساننده، چرا که بقول لنین: "اغلب گفته میشود که طبقه کارگر بطور خودبخودی بجات سوسیالیسم میرود این نکته بدان مفهوم حقیقت دارد که نظریه سوسیالیسم علل تیره روزی طبقه کارگر را زرفرتور دستتر از هر نظر دیگری آشکارا خسته و از ایندروست کسه کارگران به سهولت قادر به جذب آن هستند اما بشرط اینکه این نظر سوسیالیسم دستخوش خودبخودی نگردد، بشرط اینکه خودبخودی را تابع خود سازد، این سوسیالیسم درست است که طبقه کارگر بطور خودبخودی بجات سوسیالیسم کشیده میشود، بسا اینهمه ایدئولوژی بورژوازی که بیشتر از همه متداول شده است (و همواره در شکلهای بسیار گوناگون تجدید زندگی میکند) بطور خودبخودی و بدرجات بیشتر خود را بر طبقه کارگر تحمیل مینماید."

بدینسان در یک جمع بندی کلی میتوان گفت که جنبش خودبخودی طبقه کارگر میبایست در یکسال گذشته در مجموع تکامل یافته است، این جنبش با ارتقاء آگاهی خواستها، تخاصم اشکال مبارزاتی، قدرتمندتر از پیش وارد میدان مبارزات میگردد، در اینجا لازم است در مورد "خودبخودی بودن جنبش" نیز توضیح مختصری بدهیم، اطلاق لقب خودبخودی بر جنبش کارگری در حال جریان برای مجاز نمودن آن از مبارزه طبقاتی آگاهانه پیروان را میباید، بدلیل سطح نا ازل مبارزه آگاهانه کارگران گه ناشی از عدم پیوند کاسی بین سوسیالیسم و جنبش کارگری است، در واقع جنبش کارگری "خودبخودی" میباید شد، لنین در توضیح این امر مذکور میشود که: "ما پیوسته نیاز فزاینده ای برای پیوند سوسیالیسم به جنبش طبقه کارگر در یک جنبش واحد سوسیالیست داریم، آنگاه ما آگاهی کنیم، زمانیکه این پیوند بوقوع پیوندد مبارزه طبقاتی کارگران شکل مبارزه آگاهانه پیروان را برای رها شدن از استعمار طبقاتی مالک بخود میگیرد، و به شکل عالیتری از جنبش سوسیالیستی کارگران - حزب مستقیم سوسیالیست دیکواتک طبقه کارگر تکامل می یابد."

اما اینکه ما جنبش کارگری را در سال گذشته خودبخودی می نامیم، بسبب هیچ وجه بدین مفهوم نیست که این جنبش با سال قبل از آن وقیل از قیام تفاوتی ندارد، لنین در توضیح این مفهوم و در مقابل به جنبش کارگری روسیه در سالهای هفتاد و نود هردو را جنبش خودبخودی می نامید، ولی تفاوت آنها را چنین بیان میکند: "لیکن در کسکات خودبخودی با هم فرق دارند، در سالهای هفتاد و نود سالهای شصت (و حتی در نیمه اول سده ۱۹) هم در روسیه اعتما با تی روی

این جریان پس از جنگ سربا افتت و خیزهائی همچنان ادامه یافته و پس از جریان ۱۳۴۱ استندنبه بالاترین حد خود رسید، البته موضعگیری باره ای از نیروهای انقلابی نظیر مجاهدین در این امر بی تاثیر نبوده است، اما تذکر دو نکته است: نخست اینکه نوده کارگران زمانی خود را به بسی مد نزدیک می بینند که وی به نهام علیستد حزب سرخیزد، وطنی سازشهای او شدیداً "نورانی سوال میکشند، و دیگر اینکه بسیاری از کارگران در مقابل حزب از بسی مد دفاع می نمایند و بسی مدی به بهبودی وضعیتشان نوسینه وی هم ندارند، و در واقع فقدان سوسیالیست را تنها نیوانقلابی و قدرتمند آنها را به آسوسیکشانند.

اما آنچه که یکسال گذشته در ذهنیت طبقه کارگر در حرکات او پیوسته چشمگیر بوده است، رفتوتکامل دمکراسیسم در میان پیروان را میباید، در مقطع اردیبهشت ۱۳۵۹ اگر سرکوب دانشجویان انقلابی و سازمانهای دمکراتیک مورد محالفت جدی نوده، کارگران قسرا ر شکستند، اما بتدریج با گستردن تر شدن دامنه سرکوب رژیم جمهوری اسلامی و بر ملا شدن نیت اصلی آن حمایت ضمنی و گساده حمایت مستقیم و آشکار از حرکات انقلابی دانشجویان در میان طبقه نمودار میگردد، محالفت جدی نوده کارگران با اقدامات دمکراتیک انجمنهای اسلامی در کارخانجات و مبارزه آنها برای حقوق دمکراتیک در کارخانه ها خود جلوه ای دیگر از این امر است، همچنین حمایت نوده ها از جنبش خلقی و جنبشهای تسوده ای و شرکتشان در آنها در نقاط مختلف کشور، محالفت جدی با سرکوب جماعتسدا ری، با رزنا توسیح مسئله شکنجه زندانیان سیاسی - انقلابی در میان نوده کارگران حمایت آنها از حرکتشان خارج محدوده و سفرشان از سرکوب آنها در تهران - شیراز و... خودبیداری طبقه و مبارزه اش برای دمکراسی را گواهی میدهد.

از طرف دیگر در این دوره از مبارزات با نطفه نگرش کارگران، به خود بدینا سوسیک طبقه سواجده میگردد بسبب بازتاب وانگکاسن سرخ و توسیح مبارزات و اعتما با یک کارگر ان یک کارخانه در منطقه و در کل طبقه و حمایت و پشتیبانی از این مبارزات از سوی نوده کارگران خود نشان نگرایان امر است، در دوره بین از جنگ با رزنا توسیح سرکوب کارگران شرکت و محدودگش مکی در میان طبقه و اظهار حمایت و همدردی نمونه های از این سوره است.

در یکسال گذشته حمایت تسوده کارگران از حرکت سازمانهای انقلابی و مبارزات انقلابی بیش از گذشته چشمگیر و بدین ترتیب بحرات میتسوان گفت که گرایش به سمت نیروهای انقلابی و کمونیست از سوی نوده کارگران سیر مسودی داشته، رهنمودهای کمونیستها در مورد مبارزات کارگران در کارخانه ها از سوی آنها بکار گرفته شده، کارگران بیشتر در مبارزات نقش عمده تری پیدا نموده اند، بطور خلاصه بروسد تحسول و تکامل ذهنی کارگران از "عقبت ماننده" به "مبارتی وسین به پیشرو" از شکوفائی برخوردار نوده است.

بدینسان طبقه کارگر با تکامل ذهنی و آگاهی خویش در سال گذشته استوارتر و مبارزه با سرمایه سده داران برمی خیزد، اما خطاست هر آن فکر کنیم که طبقه کارگر بطور خودبخودی میتواند تسود

دا ده که تخریب "خودبخودی" ما شنبها و غیره را همراه داشت، اعتما با تسالهای نود رانست به این "عصا نها" حسی میتوان "آگاهانه" نامید، گامی کسه جنبش کارگری طی این مدت به جلو برداشته تا ایندرجه عظیم است، این امر با نشان میدهد که عنصر "خودبخودی" در واقع شکل جنبش آگاهی است، بسا چنین توضیحی بررسی و تحلیل جنبش کارگری ایران به اثبات میرساند که این جنبش گامهای عظیمی به جلو برداشته است، ارتقاء آگاهی کارگران، عامل اعتراض آگاهانه در مبارزات، مبارزات وسیع اقتصادی که در ادامه شان به مبارزه سیاسی گذر میکنند، مبارزات و مطالبات دمکراتیک در زمینه سیاسی، پیش بردن توام مبارزه اقتصادی و سیاسی، کوشش برای جایگزینی نظم نوین تولیدی در کارخانجات رشستد دمکراسیسم در میان طبقه و دهها مسورد دیگر خودگواهی برگسترش مبارزه کارگران در سطح و در عمق میباشند.

اما مورد دیگری نیز کسه در مبارزات کارگران میتوان جمع بندی نمود شاید قد مثر گشتن آنها در مبارزات است، بدین ترتیب که توام ترا اعتما با ت وفاصله بین دوا اعتما با دریک کارخانه کوتاه تر از پیش شده و زمان اعتما با ت طولانی تر از گذشته گشته است، مبارزاتی بیگانه مبارزاتی کارگران از مبارزات موقت وزودگذر، به مبارزه دائمی و ثابت واستوار گذر کرده است، بدین سبب مبارزات کارگران از نظر زمانیت و مافتت، بر سر یک خواست مشخص چون سوده ویژه و مبارزه طولانی مبارزه ادامه یافته و در عمق بیگیرانه جریان می یابد، اینها تمام نشانه های از تکامل جنبش کارگری در مجموعه خویش است، وسعت و عمق جنبش کارگری، بیداری نوده ها و مقابله بی امان آنها با بورژوازی، تسولات عمیق سیاسی و اجتماعی، ارتقاء تخاصم و آگاهی کارگران در کشاکش انقلاب و ضد انقلاب، بحران عمیق اقتصاد و سیاسی، علاقمندی و شوق کارگران در کسب آگاهی سیاسی طبقاتی و... همه و همه وظایف بس سنگین بسسروش جنبش کمونیستی ایران قرار میدهد، وظایفی که با تمام سنگینی خویش و با تمام ضعفها، تا توان نبهسا و پراکندگیهای حاکم بر جنبش کمونیستی یا سخگوشی بدین ندها ضرورتی روز افزون می یابد، هرگونه عدم ستمگیری برای یا سخگوشی بدین ندها تکامل جنبش کارگری - کمونیستی و مبارزه سوسیالیستی با فعالیت آگاهانه طبقه کارگر را به تاخیر انداخته و بهای بس گزافی بحران آن را بیدرداخت، بسا این رهنمود دادها به لنین کبیرا فرای خویش قرار داده و با تمام توان برای تحقق آن بکوشیم:

"بس دست بکار شویم، رفقا! اوقات گرانبهارا تلف نکنیم! در مقابل سوسیالیست دمکراتهای روس بس برای برآوردن احتیاجات پیروان را کسه از خواب بیدار میشود، برای متشکل کردن جنبش کارگری، برای تقویت گروههای انقلابی و ارتباط متقابل آنها، برای تامین کارگران از لحاظ مطالبات ترویجی و تبلیغاتی و برای جمع کردن محافل کارگری و گروههای سوسیالیست دمکرات که در اطراف و کناف روسیه پراکنده اند در یک حزب کارگری سوسیالیست دمکرات یک دنیا کار وجود دارد" (پایان)

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

رژیم جمهوری اسلامی

"مسائل شوریک تنها با پیشرفت مبارزه طبقاتی قابل حل اند. اینک پیشرفت مبارزه طبقاتی در ایران بطول نظریات رهبران اکثریتی های راست را دربارۀ قدرت حاکمه با قدرت غیرقابل مقاومتی، اثبات می کند. ما به رفقای صادق که هنوز بدنه سال این سیاست ها را شنیدند و ما می بینیم که به سرعت این سیاست ها را پذیرفته اند زیرا در غیر این صورت نسل های انقلابی آینده در بیشترین حالت عمل آنها را خیانت نا آگاهانه به طبقه کارگر و خلقهای رنجکش ایران محسوب خواهند کرد."

بسی از یکمال است که از حدانی بین ما و اکثریت های راست میگذرد. در طول این مدت رویدادهای اجتماعی و تغییر و تحولات سیاسی، بسیاری از حقایق را بطور کامل آشکار ساخته و بر اغلب بندهاری های ذهنی کارگران، خام طبقاتی های کودکانه و انتظارات خوش بینانه و توهم آمیز نیست به قدرت حاکمه خط بطلان کشیده است.

اگر تا دیروز عوام فریبی های رژیم جمهوری اسلامی و پیچیدگی و آلودگی حاکم بر فضای سیاسی میان رفقای صادق را میپنداشتند گویا کرده و به کج راه و بیراهه بنگاشند و دنباله روی آنها را از سیاست های اپورتونیستی رهبران شان مروج کرده اند، اینک رسیده به راهکار "ملا" بکنار رفته و رژیم جمهوری اسلامی حکومت تروری و اختناق را برقرار کرده، فوج فوج دست و پاهای انقلابیون را به جوخه های اعدام می سپارد، دستگیر و شکنجه می کند، سکوت در برابر آن و بالاتر از این نا شنیدنی رژیم ارتجاعی خطائی نا بخود نمی و خیانت آشکار به خلقهای رنجکش ایران است و تاریخ کسائی را که از تجربه دو سال و نیم حیات رژیم جمهوری اسلامی درسهای لازم را نیا موزنه نباشند گوشهائی سختی خواهد داد، ما یکبار دیگر به آندسته از رفقای صادق که هنوز نتوانسته بطور قاطع از این سیاستها بگسلند هشدار می دهیم که در کنار رژیم ارتجاعی حاکم قرار نگیرند و به صف انقلاب بیبوندند، اینک سخن گفتن از رژیم جمهوری اسلامی یعنی دشمنی و ترغیب و ترغیب حتی با ریشخند توده های مردم روستا میشود. امروزه حقایق روشن و مستور و عریان تر از آنست که بتوان با دستاویز قرار دادن تضادهای سیاسی موجود بین رهبران جمهوری اسلامی و میریالیسم، خصلت و با همت مترقی برای این رهبران تراشیده و توده ها را به تبعیت

دیگنا توری ارتجاعی یا دموکراسی انقلابی؟!!

آزنان فرا خوانند، یکی از عمده ترین مسائل مورد اختلاف بین ما و رهبران اکثریتی های راست، اختلاف بر سر ارزیابی های تحلیلهای مختلف از ماهیت، خصلت و ترکیب قدرت حاکمه بود. در آن موقع رهبران اکثریت هر چند تحلیل مشخصی درباره این مسئله اساسی انقلاب ایران ارائه نمیدادند (و هنوز هم پس از گذشت دو سال و نیم از قیام بهمن ماه تحلیل کاملی در این مورد ارائه ندادند) ولی با دستاویز قرار دادن واقعه تسخیر سفارت توسط دانشجویان بیروخط امام چرخشی در سیاستهای سازمان بخاطر کرده و درباره ماهیت انقلابی و ضد امپریالیستی حاکمیت داد سخن میدادند و با تحریف مضمون اجتماعی و طبقاتی مبارزه ضد امپریالیستی در ایران، حاکمیت را زهر میا زات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران به توده های معرفی میکردند، آنها به توده ها میگفتند: اگر حاکمیت خلقهای کرد و ترکمن را به خاک و خون میکشد، اگر نیروهای انقلابی تحت فشار رو بیکر قرار می گیرند، اگر نشریات انقلابی توقیف میشود و خلاصه اگر آزادیها و حقوق دموکراتیک توده ها با بمال میگردند، نه بدلیل خصلت و ماهیت ارتجاعی قدرت حاکمه بلکه به اساس "بدلیل کمبود آگاهی و برخی دگمهای مذهبی رهبران خرده بورژوازی و توطئه و کارشکنی جناح لیبرالها در هیئت حاکمه است و در پیروسی آنها نمایندگان خرده بورژوازی آگاه تر میشوند و دگمهای رهبران آنها ساقط میشود و اگر جناحی که جناح لیبرالها" حاکمیت بطور کامل برکنار شوند و توطئه های بورژوازی خشی نباشد، دموکراسی مترقی و انقلابی خواهد بود، بورژوازی بنامی حاکم میشود و راه شرقی و تکامل جامعه بسوی تالاسی هموار میشود، آنها میگفتند:

"روحانیت را عمدتاً" تریبون منافع خرده بورژوازی می شناسیم. و "علاوه منتقدیم وجه غالب حاکمیت که روحانیت" بیروخط امام" است با ریزگرگها و پیچیدگی های که مضمون آن هماهنگی که قبلاً توضیح دادیم ساین دگمهای که روحانیت است که تمایلات خود را با منافع واقعی یا بگانه طبقاتی خود منطبق می سازد و وعده میدادند که: "اعتقاد ما اینست که چون خرده بورژوازی در پس خود دمکرات است چون خرده بورژوازیست و چون ضد امپریالیست است در مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی بسن از آنکه ضد کمونیست باشد منطقی

کمونیست هاست. این موضع طبیعی خرده بورژوازیست و نازمانی که مبارزه ضد امپریالیست و دموکراتیک در ایران نرسیده باشد در پیروسی انقلاب دموکراتیک یعنی نازمانی که بیرون تار با ساختمان سوسیالیسم را آغاز نکرده باشد اما خواه هدیافت.

آنها که وجه غالب حاکمیت را دموکرات و ضد امپریالیست و متفق طبقاتی کمونیست ها معرفی می کردند در اثر فرقی و حتی وجود تحول این دموکراسی خرده بورژوازی به دموکراسی سوسیالیستی را می دادند و می گفتند:

"... اینکه کی و چگونه این پیروزی سیاسی... توسط پرولتاریا به پیروزی استراتژیک میرسد بستگی به شرایط پیچیده ای دارد که... مستقیمی میزان نفوذ رادیکالیسم بالیبرالیسم در رهبری جریانهای غیر پرولتاریا دارد. در ایران برای ما و گویا برای رهبران اپورتونیست بود که ما در تحلیل حاکمیتی که ارائه دادیم نوشتیم:

"در این نوشته در حد توان خود سعی می کنیم با بررسی تحولات اقتصادی اجتماعی و سیاسی روئیدادهای مبارزه طبقاتی نشان دهیم که حاکمیت کنونی بنام ماهیت اش خواستهای واقعی رنجمکشان و توده های محسوم خلق را نمی تواند و میخواست انقلاب را از نو راه پیشبرد و گسترش انقلاب را سد نموده است... و دیدار استراتژیک پرولتاریا در قبال این حاکمیت سرنگونی است." و درباره اهمیت این مسئله محوری انقلاب توضیح دادیم که:

"در شرایطی که بحران اقتصادی و سیاسی حاد بیجا همه حکمفرماست و عدم تحقق خواستهای واقعی مردم هر روز تعداد بیشتری از توده های رنجمکش را از حاکمیت دلسرد نموده و بسوی جنبش انقلابی میکشاند و توده های هر روز در برابر تنگ عینی خویش و در رویدادهای بیوای واقعی، عدم تحقق خواستهای خویش توسط حاکمیت کنونی را بیشتر درمی یابند، در شرایطی که صف بندی طبقاتی در حدی بطور مشخص و با سرعت در حال شکل گیری است و نیروهای اجتماعی متخاصم به دست آرائی در برابر یکدیگر بر جسته و گناه تاسر چند جنگهای محلی به رویارویی می پردازند، و در شرایطی که موقعیت بیخروج و پیچیده مبارزه طبقاتی هر روز مسائل نویسی زا در عرصه مبارزه اجتماعی و جنگا ر طبقاتی نیروهای انقلابی فرا روی ما قرار میدهد، بدون پاسخ قطعی و روسی به مسئله قدرت

بناشد ۱۲

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

اعدامهای اخیر رژیم در منش جمهوری اسلامی، روی بیدادگاههای فاشیستهای هیتلری و صهیونیستها و اسفیدگون است

دشمنان امپریالیست آمریکا نمی‌توانند رژیم ضد مردمی با این اعدا مهسا می‌خواهد به قدرتها یا میریالیستی که دشمن سوگند خورده انقلابیون کمونیست و مکرراتها یا انقلابی هستند بگویند که ما هم آن قدرتی هستیم که بهتر از هر جریان می‌تواند نیم نیروها یا انقلابی را سرکوب کند. چنین توده‌ای را مها رزده و با نفعال - کتا نده و زمینه را برای زیست و رشد سرمایه های امپریالیستی و با بگاها خلیش آماده سازیم. و امپریالیستها هم از این امر بدست استفیال میکنند زیرا این یک اصل اساسی و اشبات شده در جهان است که تلخ و قسح نیروها یا انقلابی و سرکوب - چنین توده‌ای بیش از هر کس بسنود امپریالیستها و سرکرده‌ها از امپریالیسم آمریکا است.

رژیم ضد خلقی که در تنگنای بحران قرار یافته است - اجماعی دستوپا میزند و بنا بر روی محتوم خویش را پیش روی می‌بیند و توسل به خشن ترین نوع سرکوب شده و دیوانه و اردست بسته اعدا مبارزتی ترین انقلابی در جهان و پاکباز خسته ترین جوانان وطن زده است. اما علی‌رغم این جنایات اعدا م ها، دستگیریها، خانه گردیها و ایجاد محیط رعب و وحشت که روی منولان، فاشیست های هیتلری، صهیونیستها یا سران میلی و بانکی های آمریکا می‌تواند دروینا مرا سفید کرده است، تا ثرات مخرب آن در ذهن توده‌ها، بنا چیز بوده است. در بهیاری - موا در دریک دو هفته اول میسازات اقتصادی و سیاسی در کارخانه و در بین اقشار مختلف خلق افت نسبی داشته است. این امر ناشی از شدت فشار و سرکوب ناگهانی بوده است. اما از طرف دیگر این سرکوبها، خوشنیتها و اعدا م های بی رویه موجب تشدید نا رضایتی توده ها را فرا هم کرده است. در سکوت خشم آگین مردم در اعتراضات شفا هی آنها در - صفوف آنان و رزاق و در اتوبوس و در تاکسی مخالفت ها و مردم با رژیم آشکارا بیان می‌شود، این امر بخصوص در بعضی از شهرستا نها که سلطه رژیم برائی ندارد نظیر همدان، کرمان، شیراز، تبریز و ... بیشتر روی رزق مشا هده میشود. بحران اقتصادی، تورم زیاد لوصف، کمبود رزاق و ما یحنا ضروری مردم، بیگاری میلیونی وجود دو میلیون آواره جنگی، جنگ و کنتار در غرب و جنوب کشور، همه و همه عواملی هستند که سرکوب ها و اعدا م ها نمیتوانند جلوی رزقنا رضایتی و برانمخالفتهای مردم را بگیرد. گزارشات از ادارات - حاجی است که موجنا رضایتی و تظا هر خارجی آن نه تنها فروکش نگردیده، بلکه در سوار رقی افزایش نیز یافته است.

رژیم سرکوبگر با اعدا مهسای

بقیه در صفحه ۱۴

در تهران، جالوس، بهشهر و سنج تعداد اعدا م ها به بیانه های و مسنسه بیشتر است و بنا کنون در تهران ۶۰ نفر و تبریز ۱۰ نفر، جالوس ۱۰ نفر، بهشهر ۸ نفر و سنج ۴ نفر اعدام شده اند. در تمام این اعدا م ها آن چه تا اصلی و هدف رژیم را بر روشنی می رسا نداد زعاب توده ها و خا رج کردن آنها از صحنه مبارزه و بیان دادن به جنسش توده‌های است. بنا نگاهن به اعدا میسای حتی بتکارانه اخیر، شیوه بنیاد و جرای اعدا م ها در سراسر ایران را میتوان چنین جمع بندی کرد:

۱- هر کجا مبارزه یا شدت جریان داشته و توده ها را آگاهی و شور مبارزاتی بیشتر و بهره مندت با اعدا م ها به شدت بیشتر انجام میشود تا مردم مرعوب شده و صحنه مبارزه و پیشانی تا زبشرو انقلابی را سرکوب کنند.

۲- رژیم کوشش میکند تا اعدا م ها را از همه گروهها و دسته ها یا یوز بیسیون جمهوری اسلامی انتخاب کند و بخوبی مشا هده میشود که آنچه برای بیدادگاهها و ضد خلقی و فاشیستی مهم نیست اعدا م ها را است. مهم نیست که بنا مگروهها یا مخالفان فلان اعدا م کند تا با صلاح خودشان از همه گروههای مخالف زبشرو گرفته باشند.

۳- شیوه انتخاب مکنی کورویی م ها با کسه مخصوص رژیم ها یا صفا صل و در ما نده است در بهیاری موا رزیکتی از انگیزه های - اعدا م ها را تشکیل داده و هر کجا که بهیاری و صفا صل حزب جمهوری اسلامی و یا یکجا زبشرو را سر سپرده آن ضربه ها را در می‌نویسد بنا مده در آن مهل چند نفر اعدا م میشوند. بدون اینکه مشهومی که در آنجا اسیرند حتی در ضربه ها یا "عدا م لتا" آنها مستحق اعدا م ها نیستند. آنچه برای آنها مهم است تلافی و انتقام کمشی است.

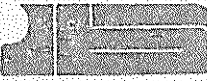
رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی ترا جرای اعدا م ها و جنایات آنها را هدف اف و نبیات زیر را دنبال میکند: رژیم سعی میکند با این اعدا م ها خود را قدرتمند و مسلط بر اوضاع در نزه مردم جا زده و نشان دهد که با "قدرت" هر مخالفی را نابود میکند. او کنون - سعی میکند چنین وانمود سازد که نه از پشت مردم ایران با کسی دار و دره از مخالفت افکار عمومی منزقی جهان، در سطح ملی رژیم جنایات و ضد خلقی و سرکوبگر سر توده ها در تبلیغات خود به عیب سعی میکند. انقلابیون ایران را که پیگیر ترین دشمنان امپریالیسم جهانی هستند، - و اینسته با آمریکا قاسدا دکنند. ولی در این تبلیغات کوچکترین مر فاشیستی نداشته چرا که مردم انقلابیون را می‌شناسند و برای مردم این شبهه ها تا زگی ندارد. بخصوص که توده ها در مهل می‌پسند که چگونه رژیم در عرصه ها یا قسما دی و نظامی با امپریالیسم جهانی و امپریالیسم آمریکا و استکسما دا شده و هر روز این رشته ها یا وابستگی اش بیشتر و بیشتر میشود تا وقت چنین رژیمی

از ۲۱ مرداد تا ۲۴ تیر ماه، حدود یکصد و چهل نفر از مبارزان و انقلابیون با صفا کما ت چند ما غنه و سر بسته در قضا بنا نه ها رژیم جمهوری اسلامی بسته اعدا م محکوم و احکام صادره بلافا صله به موردا اجرا مده اند. بجز ا ت میتوان گفت که در کمشرو کسوری حتی در صفا صبط فوق العاده و کودتای نظامی چنین اعدا م های فحیعی صورت گرفته ما شد. حتی پس از کودتای آمریکا می ۲۸ مرداد این اعدا م ها را در چند دو تنها اعدا م های دسته جمعی انجام گرفت در مورد ایران همین پرست بوده که طرف ۸ ماهه رژیم شاه ۴۵ نفر اعدا م کرد. حتی در کودتای فاشیستی شیلی و اخیرا - کودتای آمریکا می سوال ها در ترکیه حتی اعدا م های انجام گرفت و طبق خبر مطبوعات رژیم ایران طرف ۱۰ ماهه کذا ز کودتا بیگذرد، فقط ۸ نفر اعدا م شده اند. ما این ترتیب دیده میشود که رژیم در منش جمهوری اسلامی و عدل اسلامی" آن که می‌خواهند ا در سراسر جهان بکسرا نند، در آدسی قسمت و بیسی راجی دست همه جنا بنگاران تا ریکس

این اعدا م ها - علاوه بر تمدا د بهیاری اعدا م شدگان - نوع آنها ما می است که به موجب آن مبارزان اعدا م میشوند. اعدا م م ها طرفا شتن قتل و تمکه اعدا م بنا طرفا شتن یک شیوه سرکه اعدا م بهیاری طرفا شتن فن گویند. کذا ردا شیوخانه و دسته ها و بنگا م ها طرفا شتن نسبت با فلان مبارز شفا صل، بنا طرفی شفا صل اعلامیه یا تروش نشر بهیاری شرکت در - نظا هرات در رژیمی و ... و بجز ا ت می توان گفت هیچ کسوری در جهان وجود ندارد که بنا طرفا این اعدا م ت بوجوبی منعی فردی اعدا م کندند. از با صلاح دادگاه سخن گفتن ببهوده است چرا که این بیدادگاهها در حقیقت قضا بنا نه ای هستند که هیچ صفا صبط و مصیاری، حتی آنچه را که خودشان بنا م مقورات دادگاهها یا انقلابی سر هم کرده اند رعایت نمیکنند و دروا قبا سر همه اعدا م ها بدون صفا کسه صورت گرفته است.

اعدا م های دسته جمعی و روز مسره که هدفش ایجاد رعب در میان مردم - است مخالف یک بر ما صفا صبط شده در سراسر ایران با شدت اجرا میشود. در چه قسارت و بی رحمی حکا م شرع سر قضا م را ز صفا صبت و خصوصت آنها - که البته این مسئله نقش فرعی دارد - بستگی بسته شرایط و سطح مبارزات در مناط مختلف دارد. هر کجا که سطح مبارزات بالاتر بوده و توده ها با شدت و ما می بیشتر در وجهت اعدا م انقلابی و مکررات تیک و فسد امپریالیستی شرکت کرده اند، اعدا م ها ایسا دگسره تری گرفته است. مثلا -

تورم، شکست جبهه فداییان، حربه غارتگران، آزادی سیاسی، شورای انقلابی، شعار زحمتکشان



اعدام و ترور انقلابیون در بابل

پاسداران سرمایه‌خیز "در سراسر مین مان دست به ترور و اعدام انقلابیون هندو بابل و خفت و آزار عاب و خفتان سرکوب، سعی دارند مبارزات اوج - آینده توده‌ها را به رکود بکشانند. مبارزات و ایستادگی توده‌ها در قیاسات بین سیاست‌ها، با این مزدوران ثابت می‌گردد هیچ نیروی نمی‌تواند خلق را باخته را از حرکت بازدارد.

در دهه اول ترور در بابل چند نفر زنی و آقایان انقلابی به شهادت رسیدند و ااداران سازمان در بابل در رابطه با ترور و اعدام اعلامیه‌ای منتشر کرده‌می نویسد:

شهید مهدی بیگانگی هواداران سازمان مدین خلق ایران که روز هشتم تیرماه در دستگیر شد ااداران قرار می‌گیرد در تعقیب و گریز با مزدوران، مسوره با بیت گلوله فرار گرفته و شهید شده است.

در شب دهم تیرماه، رفیق تقی پور (هوادار چریکهای فدائی خلق) را در بابل تیرباران می‌کنند. این رفیق در درگیری‌های اخیر دستگیر شده و سرعت اعدام می‌شود.

هواداران سازمان اعلامیه خود می‌نویسند:

رژیم ضد انقلابی استفا ده از شرایط کنونی به‌گشترا انقلابیون اسیر در بند دست زنده، هشیاری انقلابی خود را حفظ کنیم. اخبار مبارزات خلق را به شکل مختلف بهم برسانیم، اجازه ندهیم که رژیم از شرایط با سرور و خفتان استفاده کرده توطئه‌های شومش را به اجرا در آورد.

مردم مبارز بابل! اینک با بدبختی تشدید مبارزات و با سازماندهی هر چه وسیعتر آن، به مقابله با تشدید سیاستهای سرکوبگرانه رژیم پرداخت.

تجربیه‌های تاریخی و از جمله سرکوبت حکومت شاه نشان داد که رژیم‌های متکی به سرکوب و سرکوب هر قدری که در جهت سرکوب کشنده مبارزات توده‌ها بر می‌دارند، بیشتر در اسباب سقوط سرازیر میشوند.

افشاگری پرسنل انقلابی ارتش در میان دو آب

نقل از اخبار آذربایجان (نشریه خبری فرهنگی سازمان در آذربایجان) شماره ۵

پرسنل انقلابی ارتش در میان دو آب برای افساء ماهیت ضد خلقی ارتش و نشان دادن گوشه‌ای از اعمال وحشیانه این دستگاه سرکوب، بخصوص در رابطه با جنبش مقاومت خلق کرد، اعلامیه‌ای انتشار دادند که در آن به شهادت یکی از سربازان هواداران سازمان نیز اشاره نموده‌اند. سرباز زحمت‌نا در زاده همقانی یکی از هواداران سازمان، بدست‌سور سرگرد باقری فام فرمانده گروان ۱۸ میان دو آب، بعد از شناسایی دستگیر می‌شود. سپس او را دادگاه می‌گذرانند و به آسپرخانه گردان منتقل می‌نمایند. در ماهوریت این گردان در جاده تک‌ساز سرباز زحمت‌نا در زاده زخمی می‌شود و می‌خواهند که او را به بیمارستان مراغه اعزام دارند، اما باقری فام مزدور، بدلیل دشمنی با این سرباز مبارز، بهنا و بین مختلف و با تعلیهای عمدی مانع اعزام او شده و در نتیجه سرباز مذکور بر اثر شدت خونریزی جان خود را از دست داده و شهید می‌شود. همچنین در نواری که پرسنل انقلابی بخش کرده‌اند سرهنگ مدرکسان این جانی خلق کرد فرمانده لشکر ۲۸ سنندج، با بی‌سیم به سرگرد باقری فام دستور می‌دهد: به هردهی که رسیدی آنجا را با خاک یکسان کن، به هیچ چیز و به هیچکس رحم نکن جز بخت‌ها و زنها، با آنها سرکوب می‌شوی.

پس از افشای ماهیت کثیف باقری فام این فرمانده مزدور، زمره‌های اعتراضی در گوشه و کنار اردوگاه‌های "گاو میش گلی" و "تیرآباد دولیلس راه اردوگاه" قتل شروع شده است.

هر روز که می‌گذرد، ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و ابزارهای سرکوبگر از جمله ارتش، بیش از پیش برای توده‌های زحمتکش و سربازان و درجه‌داران رده‌های پایین که فرزندان همسین زحمتکش هستند روشن می‌شود.

یک دهقان زحمتکش در خمزه کلای بابل توسط پاسداران به شهادت رسید

اینکه تفنگ بدوشت بیندازی بی‌ساز و روغن بار آمده که تمام مسزراع و محصولات از غنکی می‌آبی نسوزده یک پاسدار با تفنگ بدوشت و حمله می‌کند، دهقان سینه خود را با شمشیر کرده و می‌گوید بزن، خجالت نکند ز شما ها هر روز دهنها نفر از جوانان سار می‌کشید، ما را هم بزن ... پاسدار در مقابل قاطعیت این دهقان و حمايت دیگران از او مجبور به عقب نشینی می‌شود اما در همان حال می‌خواهند جوانی را با خود ببرند که با زهم مسا مقاومت همه حاضرین روی آوردند و مجبور شدند محل را ترک گویند.

دهقانان با زهم مدتی را در صف ماندند و با صحبت‌هایی که می‌کردند خشم و انزجار خود را از این مزدوران رژیم نشان می‌دادند و سرانجام بدون اینکه از روغن موتور خبری بشود، خمزه کلای را ترک کردند.

دهقانی که در روستای خمزه کلای بابل منتظر گرفتن روغن موتور در صف متناوب بود، با گلوله پاسداران به شهادت می‌رسد.

دهروستای اطراف بابل، بسیاری از روغن موتور سهمیه خود می‌نمایند که کلامی روغن در صف می‌ایستند. بعد مدتی چهار پاسدار می‌آیند تا با اطلاع ظم را در صف برقرار کنند! انتظار قانان طولانی می‌شود و خبری از دادن میه روغن نمی‌شود، پاسداران سرمایه مقابل اعتراض دهقانان دست به شهادت می‌زنند و یک پیر می‌شود. بی‌در این میان شهید می‌شود. تراضی دهقانان که حدود سیصد نفرند با لایم‌گیرند، دهقان پیری بلا و انزجار به پاسداران می‌گفتند و به چه حقی تیراندازی می‌کنی، نسو بی صبر و روغن را حفاظت کنی؟ تو بجای

اعدام جنایتکارانه حسن خوش قامت کارگر مبارز دزوب آهن را محکوم می‌کنیم!

نا بودیا دا نجهن‌های سلامی، این لانه‌های جاسوسی حزب جمهوری اسلامی، سرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد دشورا‌های انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان . نا بودیا دا میریالیسم جهان‌نی به سرکردگی امیرالیسم آمریکا و بی‌گناه داخلی . کارگران پیشرو دزوب آهن - اصفهان

تیرماه ۱۳۶۰

است که هنرا با کشتار سرتاسری تعداد زیادی از کارگران آگاه و مبارز دزوب آهن را دستگیر و از میان آنان کارگر مبارز حسن خوش قامت را به جرم دشمنی از دستاوردهای قیام و منافع زحمتکشان اعدام نموده‌است.

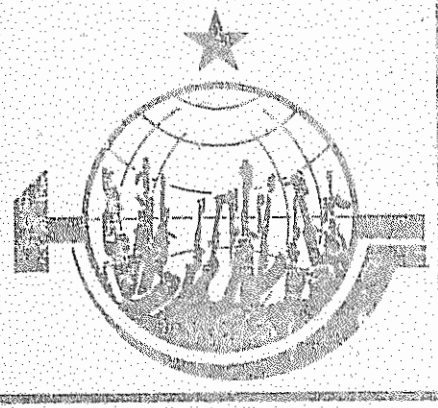
کارگران مبارز دزوب آهن! هم اکنون جان کارگران و فرزندان انقلابی خلق که در جنگ‌های رژیم جمهوری اسلامی گرفتارند در خطر است. هشیاری شما را برای آوردن سرکوب‌های اعتراضی خود، علی‌به‌سیاستهای سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی توطئه دشمنان را خنثی می‌کنیم.

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ببال خود می‌خواهد با این اقدامات اینکارانه و با برقراری سرکوب و شقاق که روی جانان ساواک شاه را بید کرده‌است، مردم را مرعوب نماید. هدف این اعمال جنایتکارانه و خلقی، آزار مردم، سرکوب جنبش ق و به انفعال کشاندن آنهاست و بنیت موقعیت متزلزل هیئت حاکمه و نی است تا بتواند انقلاب را بسازد. ست فطنی کشانیده و منافع سرمایه‌داران وابسته به امیرالیسم را حفظ می‌کند.

بدنبال چنین سیاست‌ها شانه‌های



چشم‌پوش جهانی



انگلیستان

بیا، بیا، زحمتکشان

موج اعتراضات توپان‌دی و تظاهرات و درگیری‌های خیابانی میان زحمتکشان با پلیس در شهرهای مختلف انگلستان طی هفته پیش ایضا دوازده تری یافت دولت امپریالیست انگلیس در همین حال کسه ناچاراً به وجود بحران، مسئله بیگساری تورم، افزایش هزینه زندگی و متکسر شدن ورشاه اعتراف کرده است. بیا

آلمان شرقی

خانه‌گردی

بدنبال حملات سرکوبگرانه پلیس فاشیستی آلمان به زاغه‌نشینان برسون فریبی در چند ماه اخیر که جهت بیسرون راندن زحمتکشان از خانه‌های معصومه شده و نیز جلوگیری از گسترش آسین حرکت انقلابی صورت گرفت، پلیس فاشیست‌ها می‌تواند فاشیست‌ها در مواجهه با شقاوت دولت دلیرانه زاغه‌نشینان این بار به منظور ایجاد محیط رعوب و وحشت و به بهانه‌های وا‌هی به تحسین یکایک خانه‌های معصومه شده از سوی این زحمتکشان مبارذت نمود. اما زاغه‌نشینان برلین این بار هم تلاش مذبحخانه دولت امپریالیستی آلمان را نقش بر آب کردند و بیا با زبان‌دهی تظاهراتی گسترده در اعتراض به خانه‌گردی توسط پلیس، به مقابله‌ای سخت علیه تمامی سرکوب‌ها و دستگیریها پرداختند. در این تظاهرات زاغه‌نشینان با ایجاد دستگیرهای خیابانی و بایکسه آتش‌کشیدن چهار توپیل خنثی‌سازی کردن گاز اشک‌آور که توسط پلیس برای متفرق کردن تظاهراتکنندگان پرتسا ب شده بود، اقدامات سرکوبگرانه پلیس با ساداران سرمایه‌را خنثی کردند.

ساند نیست، انترناسیونالیست

گموشیستی است "پاستورا" می‌گوید: "می‌دانم که ممکن است گفته شود ملی نمی‌توانم مرگ روستا‌شان را در نهایت خانه‌ها و یا قتل‌گنجین را تحمل کنم." این سخنان با شعور "آشورا" اشاره است به رویدادهای سال گذشته در گوانتاما لا که نیروهای سرکوبگر ارتش ۲۴ روستایی را که به منظور اعتراف به سیاست سرکوب و اخراج دولت ژنرال "فرناندو لویاس" و روشوگاریسیا، "مخارت اسپانیا" را به اشغال درآورده بودند، در یک آتش سوزی عمدی در سفارت اسپانیا به قتل رساندند. و نیز شاره است به کشتار کسان ترفی خواه بدست گروه‌های فاشیستی را است که با یکدیگر می‌توانند دولت و نیروهای سرکوبگر امپریالیست‌ها را جانیستکارانه‌ای جهت سد کردن سبازه انقلابی توده‌های تحت تسلط دست می‌یازند.

سازمان جبهه‌های فدائیان خلق ایران

جبهه آزادی بخش ملی ساند نیست در هفته گذشته اعلام کرد که "اون پاستورا" معاون وزیر دفاع و "خوزه‌والابویسا" معاون وزیر کشور دولت انقلابی بیگسارگره بیخاطری روزگنارزحمتکشان پلیسهای دیگران مقام خود استخفاسا کردند. این اقدام انقلابی ساند نیست امپریالیست‌ها را در زمین گموشیستی است که ره‌های تمامی کارگران و زحمت کشان و خلقهای تحت تسلط را و طقه نمودند و در روت وحدت انقلابیون در مقیاس جهانی مستعدند و انقلاب در هر کشوری به حساب حلقه‌ای از زحمتکشان انقلابات پرولتری جهانی می‌نگرند و در جهت تحقق انترناسیونالیست‌ها رولتری کام بر می‌آورد. بر اساس همین ایده بین الملل

آرژانتین زنده است ساند چسوزنده است

هماهنگی انقلابی را در آمریکا لاتین، بر اساس استراتژی انقلاب منطقه‌ای بر مبنای طرح کانون سبزه‌دهی و جبهه‌های در تحت سلطه و ایضا "آمریکای لاتین" تاسیس کرده است. این شورا سبزه‌دهی انترناسیونالیست سرولنازیستی آنگونه که چه‌کوارا مطرح می‌باشد و فاشیست‌ها و آری‌های تکان بر مبنای اتحاد امپریالیست‌ها برای اشغال و تسلط و سرکوب الزام آوری ساند که انقلابیون در قیام جهانی و حسدند داشته‌اند در سطح منطقه استوا تسیستی و تاکنیک خود را هماهنگ با زند در اینجا ساند و نشان دادند که تنها یک برانشین و سبزه‌دهی در جبهه در سطح انقلاب ملی یکایک انترناسیونالیست واقعی تیزی باشد.

۱۹ ژوئای ۱۹۷۶، منطقه کورنست و: مع در یونکنس آبرس با بیخت آرژانتین شاه‌مخبرده‌لاورا ساند گرونی از بزرگترین انقلابیون آرژانتینی علیه ارتش فاشیست انقلابی بود. رئیس ساند روبرتوسا چسوز دبیرکل حزب انقلابی کارگران آرژانتین و خرابنده ارتش انقلابی خلق بیگساره گرونی از رفقای هیئت سیاسی حزب در این بیگسار رهبرمانانه به شهادت رسیدند. ساند چسوز در آن مبارزات کارگری و توده‌ای آیدند و شد. او در سال ۱۹۶۵ حزب انقلابی کارگران را با چشم انداز مبارزه مسلحانه برای استقلال ورها تسیستی و سوسالیزم بیان نهاد. دوران ۱۹۷۲ - ۱۹۶۶ یعنی دوران سبزه‌دهی بیگسار و رهبری با فاشیست و کارآئی کم‌تسلط خود در امپریالیست‌ها حزب و با زوی صله آن ارتش انقلابی خلق را از گزینست حملات و حمله به پلیس تجات داد. بیا قدرت گیری پرولتیم در سال ۱۹۷۲ حزب و ارتش به یک پیشاهنگ قابل و تواتسا در خدمت سازماندهی توده‌ای بدل شدند و ساند چسوز این پرولتیم آرژانتینی داشت. ساند چسوز همان یک استراتژیست و تئوریست توانا بود. او در هر بیگسار انقلابی حزب در سال ۱۹۶۸ شوروی انقلاب آرژانتین را فرموله کرد که مورد تأیید حزب قرار گرفت. بر اساس تئوری ساند چسوز انقلاب آرژانتین به معنای یک حلقه در زنجیره انقلابات آمریکای لاتین است. آرگانال مبارزه مسلحانه توده‌ای در از مدت به سوی سوسالیزم ره میگسارند "ارتش انقلابی خلق" تحت رهبری و رهبری ساند چسوز امپریالیست‌ها را در هر بیگسار کل "سبزه‌دهی" سوبیا بروهای ریگوشه و "ارتش ره‌های خلقی" پرولتری شوروی

دست‌حکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبش‌های

ره‌های بخش سراسر جهان

انگلیستان

پیا، پیا، زحمتکشان

بقیه از صفحه ۱

اینحال بیشتر با نیت مدعی است که این درگیریها از سوی عده ای که حرص بیشتر خوردن دارند و به قصد زدی و غارت بوجود آمده است دولت مذبوحانه می گوید تا بدینوسیله برای اعمال جنا پیکارانه خود توجیهی قانونی بیابد. من جرین در انگلیستان از نظر شرایط زندگی به ویژه مسکن در سوختن بسیار نا مساعدی قرار دارند. طبق آمار رسمی از هر سر ۲۵ واحد مسکونی در این کشور یک واحد مسکونی به مهاجرین بخصوص مهاجرین آسیای شرقی تعلق دارد. در واسط سال ۱۹۸۱ از ۵۶ میلیون واحد مسکونی در انگلیستان ۷/۵ میلیون واحد متعلق به مهاجرین و رنگین پوست از کشورهای "مشترک المنافع" (آفریقا هند غربی و آسیا) بوده است. و مهاجرین رنگین پوست اغلب در محلات فقیرنشین کسبه دارای تراکم زیاد و فاقد خدمات رفاهی هستند زندگی می کنند.

دولت غارتگر انگلیس که از یک سو بر شایعان و زرقا اقتصاد می تواند به با شکوئی به نیازهای اجتماعات مسکونی کارگران و زحمتکشان نیست از سوی دیگر با گسترش جنبش تهیه ستان و حمایت سفیدپوستان از این حرکت انقلابی کارگران مهاجر و بیرونده، بیخ از زپیش با هیت واقعی خود را در حفظ و تأمین منافع آنها از تأثیرات پستی و سرکوب و اختناق زحمتکشان آشکار می سازد و مستقیماً "رودروری انسان قرار میگیرد.

روز پیکارهای از اقدامات جنا پیکارانه پلیس فاشیست و سپاهیه های ضد کارگری دولت انگلیس را طی هفته های اخیر در کمی تصمیم تا با مقابله ای که مردم زحمتکش با میسان این سیاستها و سیاستهای رژیمیم جنا پیکار جمهوری اسلامی به عمل می آید و زندگی ما هیت همگون سرکوب و یورژوازی در مقیاس جهانی آشنا شوند و نیز بر پایه و نیز بر سر مداران جمهوری را در با اصلاح دفاعان از مبارزات مردم انگلیس و اشک تسخیر ریختن جلادان رژیم را برای مبارزان رنگین پوست بشکل آشکارتری بیان کس کرده باشیم و آنگاه پی خواهیم برد که

دولت های ارتجاعی و سرمایه داری از حقوق بشر تنها بجا طریقشان ندن جنا پیتها، خود علیه زحمتکشان در کشوری که بمرآن حکومت می کنند سود می جویند.

طی هفته های اخیر دولت انگلیس برای مقابله با مبارزات مردم به اقدامات زیر دست زده است

- ۱- دستگیریهای دسته جمعی متجاوزان از دهان تن از مردم که در میان آنها یک کودک ۵ ساله و یک کودک ۸ ساله نیز بچشم میخورد. و جرم آنها شرکت در تظاهرات لیبرال بود است.
- ۲- تهمین و تقویت نیروهای سرکوبگر پلیس، کشتار و قتل تظاهرات کنندگان استفاده از گاز اشک آور، گلوله های پلاستیکی (استخدم در این موارد جنا پیکاران جمهوری اسلامی در مقام با اکثری قرار دارند و از گلوله های جنگی و بار بیجک استفاده می کنند) و نیز استفاده از تباراب جهت سترق کردن تظاهرات کنندگان.
- ۳- اقدام به شدت عمل با تشکیل دادگاههای ویژه به منظور با اصلاح

اعمال فاطمت و سرعت بیشتر در قبال ناآرامی های امپراطوری بریتانیا این دادگاهها موافقتزد خمتکشان "تورشی" را در جلسات کوتاه مدت به مجازاتهای سنگین محکوم نمائند. تا چرنساز پارلمان خواسته است تا هر چه سریع تر موافقت خود را با تشکیل این "دادگاههای ویژه" اعلام نماید.

- ۴- قلمداد کردن تظاهرات بعنوان آشوبهای جنائی و اعلام غیر قانونی بودن هرگونه تجمع و بیاد روی در لندن و شهرهای بزرگ به مدت یکماه. مثلاً برای جلوگیری از یک گرد هم آشی حدود ۱۰ جوان سفیدپوست در حمایت از رنگین پوستان توسط ۲۰۰۰ پلیس محاصرت بعمل آمد.
- ۵- در دستور قرار دادن طرحهای جهت استفاده از ارتش و سایر ارگانهای سرکوب و تلاش در تصویب لوایحی در این خصوص.

وزیر کشور امیریا لیستی انگلیس اعلام کرد:

"هرگونه حرکتی با بدسرکوب شود و دولت انگلیس برای سرکوب کردن ناآرامی های داخلی از نیروهای نظامی استفاده خواهد کرد." وی همچنین اظهار داشته است: "به محض آوردن ارتش به عنوان آخرین وسیله هرگز نمیتوان منتفی دانست. این شورش ها پسند جدیدی پیدا کرده، وقتی بعد جدیدی پیدا شود آن با پدید آمدن قدرت مناسبی برخورد کرد. پارلمان در ضمن پشتیبانی از اقدامات سرکوبگرانه پلیس فاشیست، برای مقابله با این جنبش اعتراضی تصمیم گرفته با تصویب قانونی جدید به پلیس اختیارات بیشتری دهد و پلیس را تقویت کند.

طبق اعلام جدید پارلمان انگلیس والدین جوانانی را که کمتر از ۱۷ سال دارند در درگیریها شرکت می کنند مجازات و جریمه خواهد کرد. اینجا است که می بینیم سرمایه داران دولت انگلیس چون سران جمهوری اسلامی می برند و پارلمان آنها نیز چون مجلس اسلامی می دوزد.

۶- بکار گرفتن گروههای فاشیست از جمله "کله طاس"ها (حزب الهیهای انگلیس) تحت عنوان "مردم" جهت سرکوب تظاهرات. تا جرحی از این "مردم" در قالب دیگری هم نام می برد: "این اتفاقات همه را وحشت زده کرده است و ممکن است... همه چیز از بین برود هر چیزی که برای مردم انگلیس به ارزش است." اما این مردم چه کسانی هستند؟ غیر از سرمایه داران که ممکن است همه چیزشان یعنی سوده های سرمایه داران از بین برود؟

۷- افزایش زندانها: در حال حاضر بیش از ۴۶۰۰ نفر در زندانهای این کشور در شرایط غیر انسانی بسر میبرند و هر روز نیز بر تعداد آنان افزوده می گردد. در حال حاضر با طر تکمیل بودن ظرفیت زندانهای رسمی از پیکارهای نظامی برای نگهداری زندانهای جدید استفاده می شود.

دولت انگلیس نیز و قیامت حوادث اخیر را با جان بسبب می دهد و می گوید در این تظاهرات نوعی استرژژی نظامی بکار گرفته شد که منبع آن مشخص نیست و پیا می آید لازم هم در جریان ایسم ردیوید می شود و پیا می آید ایسم به صورت سازماندهی شده توسط ماشینهای باری به صحنه حمل می شده است. دولت تا چریکها آنگاه به این تبلیغات مذبوحانه می گوید بخشی از مردم را برای مقابله با بخشی دیگر بسیج کند و نیز ما ننند سوی ورجائی در صحنه تلویزیون

ظا هر می شود می گوید: "هریک از ما اعم از پیدرها و ما درها، معلومان، شاغل یا بیکار و با لخره سفید یا سیاه ("برادر، خواهر، هموطن") باید بدانیم که این شورشها تنها می آن چیزهایی را که برای شان ارزش قائلیم تا بسود خواهد کرد. وی از سایر خوردگان و از معلومان می خواهد که جوانان انگلیس را قانع کنند که فریب "گروهکها" را نخورند و بدانند که از تظاهرات فایدایی عاید نمی شود چون شورش "همه چیز" را از بین می برد و با لخره وزیر کشور طی اطلاعیه های مکرر از "مردم" میخواهد که برای حفظ جان خانواده سلطنتی (همه چیز) خرجینی کنند و هرگونه تلاش مشکوک را به پلیس گزارش دهند.

آنچه بر سر مردم تنها بکار روی بکه سیاست دولت نژادپرست و امیریا لیست انگلیس بود، دولت انگلیس نیز مانند دولت مستعصفت جمهوری اسلامی هر چند به عت ترشنت فریبکارانه ای را نیز با همکاری عوامل مزدور در جنبش کارگری و کلیسیا بکار می گیرد. که روی دیگر سکه سیاست او را تشکیل می دهد.

موعظه های مذهبی همراه سیاستی با تکیه بر تکیه به تکیه های کارگری و وعده های ایجا داشتنال جدید نیز بکار گرفته می شود.

در خدمت این سیاست رهبر حزب با اصلاح کارگری پیشنهاد کرده است که در شرایط کنونی که کشور در لبه پرتگاه قرار گرفته است، ما لیسیا تنها باید با تکیه یافته، امکانات و تسهیلات لازم برای مردم در خانه، محل کار و جامعه فراهم شود.

از پیشنهادات دیگر این رهبر اشرافیت کارگری گسترش بیمه و کاهش تورم از طریق اعطای کمک به تکیه های کارگری را باید نام برد. سیاستی که دقیقاً به منظور ایجا دتفرقه بین کارگران بومی و غیر بومی و مانع از حمایت بخشی از کارگران از جنبش اعتراضی عنوان شده است.

مقامات مذهبی کلیسا از جمله اسقف لیورپول نیز جهات تشیبت دولت تا چریب همه آن شیوه های معمول تخمیر و قریب مذهبی تسول جسته و از سر مردم انگلیس به تصریح جوانان "متخصص و مبارز" سفیدپو رنگین پوست این کشور استعداد جسته و همگان را به آرامش دعوت کرده است و از مردم کشور خواسته است تا ترتیبی را برگزینند که شرایط برای زندگی عموم فراهم باشد!

اما علی رقم تمام سرکوبها و دستگیریهای دولت نژادپرست انگلیس و اقدامات جنا پیکارانه پلیس فاشیست حامی آن، و عوام فریبی های کلیسیا و اجزاب رفرفریست هر روز بیش از پیش با هیت این نوع سیاستها بسزای توده های زحمتکش روشن میشود. و نمونه آن مقابله سرسختانه زحمتکشان در برابر تشدید سرکوب و کنترل عبور و مرور در منطقه بریکستون است که با شکست مقتضای نه ای مواجه شد. بطوریکه تظاهرات کنندگان با ماسا شده مهاجره منطقه بریکستون به خیابانهای ریخته و با حمله ناگهانی به پلیس ما مورین را مجبور به اتر کردند. پلیس

فاشیست و نژادپرست انگلیس پس از سه ساعت با قوای کمکی خود تصمیم گرفت تا دوباره این منطقه را محاصره کند و تظاهرات کنندگان را سرکوب نماید. ولی این بار نیز مردم متوجه حمله آنان شده، با ریختن به خیابانها و آتش زدن برخی از ادارات و طوطه آنها را خنثی کردند.

خمینی چه گفت؟ خمینی چه کرد؟ (۳)

وعده آزادی زنان ... تثبیت و تشدیدستم دوگانه برآنان

یکی از مسائلی که آیت الله خمینی در مورد آن وعده‌های بسیار داد و صاف کرد، زنان بود. زنان چهرمان میهن ما بسا شرکت وسیع خود در مبارزات خلق بر علیه رژیم مفسور پهلوی نقش بسزایی در سبک زدن این رژیم ایفا کردند. شرکت وسیع زنان در راهپیمایی‌ها علیه رژیم پهلوی خسود بسا نگر حضور سال آنان در مبارزات بود. زنان در تمامی مدت دوشا دوش مردان رژیم پهلوی در روزهای قیام نیز نقش فعالی در مبارزات سرنوشت ساز خلق ایفا کردند.

زنان نیز چون سایر اقشار شرکت کننده در مبارزات خلق، در پی خواستهای شخصی به مبارزه روی آوردند. زنان در رژیم پهلوی چون سایر رژیمهای سرمایه داری ستمی دوگانه را تحمل میکردند. و زمان کارگرانه تشنها مورد استعمار و ضیاع سرمایه داران قرار دادند. بلکه اولین گروه را اجبارا تشکیل میدادند، در مقابل کارمندی مزدگستر میگرفتند، از کوچکترین تسهیلات حتی در هنگام زایمان محروم بودند، شیرخوارگاه از دستهای عینی کارگران زن بود که رژیم شاه هیچگاه به معنای واقعی آنرا برآورده نداشت. زنان روستایی تحت سخت ترین شرایط در عین بردوش کشیدن بار کارخانه‌ها زهدت فقر مجبور بودند. دوشا دوش مردان در تولید شرکت نمایند و از کوچکترین امکانات رفاهی نیز محروم بودند. از سوی دیگر حقوق اجتماعی نابرابر زنان در همواره بعنوان شهرت و ندی درجه دوم قلمداد می نمود، با زن در دوره شاهنشاهی بعنوان یک کارلار قرار میدادند. زن ارزش انسانی خود را از دست داده بود و به وسیله تبلیغ اجناس کالاها بدل گشته بود. زنان بیخاستند تا حقوق اجتماعی برای مردان بدست آورند، بیخاستند تا از امکانات رفاهی و شرایط مساعدی برخوردار انسان برخوردار گردند. زنان بیخاستند تا در کارخانه و بزرها از حقوقی برابر با مردان برخوردار گردند.

آیت الله خمینی که از تمامی این خواستهای بخوبی اطلاع داشت، با وعده های خود زنان را فریفت و بدینسان خود را توان ساخت. آیت الله خمینی در مقابل سؤال "در حکومت آینده آزادی زنان چگونه خواهد بود" میگوید "زنها آزاد هستند و در تحصیل آزاد هستند و در کارهای دیگر هم آزادند، همانطور که مردان آزادند" (معا خیه یا خیرنگار آلبانی ۷/۲۲ تا ۷/۲۵) و همچنین میگوید "شیخ نه تنها زنان را از صحنه زندگی اجتماعی طرد نمیکند بلکه آنان را در جوامع و در جایگاه رفیع انسانی خود قرار میدهد" (معا خیه یا روزنامه مدنی نوم ۷/۲۴ تا ۷/۲۵) آیت الله خمینی به زنان وعده -

خمینی توده های زنان زحمتکش را بسه دنبال خود کشا بندوبه آنان توبه سراب جمهوری اسلامی را داد. آیت الله خمینی در شب پیش از فروردین ۱۲ فروردین سال ۵۸ که برای تثبیت جمهوری اسلامی صورت گرفت جهت فریب زنان و به بسای صندوق کشا نیدن آنان با ردیگر وعده های خود را تکرار میکند و میگوید "اسلام حقوق زنان را بیشتر از مردان ملاحظه کرده است. زنها حق رای دارند و این حق است که از حقوق زنها در غرب با اثر است. زنان صاحب حق رای دادن و حق انتخاب شدن دارند. تمام معاملات آنها به اختیار خودشان است و میتوانند به بسا روشها را آزادانه انتخاب کنند ما به شما قول میدهم که در حکومت اسلامی همه وعده های آزادند و همه به بسا حقوق حقه خودشان خواهند رسید."

اما دیدیم چگونه با نظریه وعده های خمینی در مورد آزادی و ترقی و شکوفایی شد، چگونه وعده های او در مورد تامین و تضمین حقوق زنان نیز به تبه و تدهوین لایحه ارتجاعی قاصر انجامید. زنان زحمتکش در تجارب عملی خود مدت پیش از دوران حکومت جمهوری اسلامی دریا غنند که این رژیم نه تنها هیچیک از خواستهای آنان را برآورده نمی‌کند بلکه با قوانین ستمی و ارتجاعی خود اقدام در آزار و اذیت آنها را مقبل نمود. اگرچه در واقعیت زنان کارگر و تحصیلگر، تنها شیرخوارگاه جدیدی ایجاد نشده بلکه بسیاری از شیرخوارگاههای کارخانجات و ادارات نیز تعطیل گشت. در رژیم جمهوری اسلامی نه تنها کوچکترین قوانین قانونی جهت بهبود در وضع زنان تصویب نشده، نه تنها خواست مرد مسوول در برابر سرکوب، آزار و عدم استقامت زنان با عباد و ستمگری بافت، نه تنها حقوق اجتماعی زنان تامین نشده بلکه وجود زن بعنوان یک شهروند درجه دوم و یک نیمه انسان به شکلی کامل تثبیت و قانونی گشت. عملا، وضع زنان در ارتباط با سطح دستمزد، شیوه استخدام، در برخورد و رفتار با آنان، حقوق اجتماعی و مدنی به وضعی حتی بدتر از رژیم گذشته تنزل نمود.

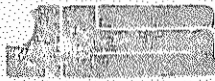
رژیم جمهوری اسلامی در لایحه ارتجاعی قاصر که توسط آیت الله خمینی با عنوان "اسلامی ترین لایحه ها سورد تا تثبیت و تصویب قرار گرفت عملا" مقام زن را به یک نیمه انسان تنزل داده است. رژیم "پول خون زن را نصف مرد را آورد و میگند و فقط زمانی مردی را که قاتل یک زن است مستوجب قصاص میداند که نصف پول خون مرد به خانواده اش داده شود. رژیم با لایحه ارتجاعی قاصر عملا" برای زن هیچگونه ارزش اجتماعی و شخصیت حقوقی قائل نشد. شیوه بطوریکه شهادت زنان - هر چند نفره باشد - در مورد قتل از هرگونه اعتبار ساقط است. و به بنظر بیق آیت الله خمینی به وعده های خود میخی بر "ارتقاء زن" تا حدی که "بتوانند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابند" و از "حاشی بودن بیرون بیایند" این صورت عمل نمود. آیت الله خمینی که برای بدست آوردن رای زنان به سود جمهوری اسلامی میگفت "اسلام حقوق زنان را بیشتر از مردان ملاحظه کرده" آیت الله خمینی رژیم و کسب قدرت با تا کشید و تصویب لایحه قاصر عملا" زنان را نصف مردان قلمداد میکند. رژیم جمهوری اسلامی به زنان را بسه

استقرار و بدست گیری قدرت بدستور مستقیم آیت الله خمینی سعی کرد زنان را در جاب اجباری فروردین بدین نظر یکی از ابتدایی ترین حقوق انسا نهیسا یعنی آزادی در انتخاب لباس را نیز از آنان سلب نماید. آیت الله خمینی که قبل از کسب قدرت میگفت "زنان در انتخاب لباس نهایت و سرنوشت وهم چنین پوشش خود با رعایت موازین آزادند" (معا خیه یا مجله المستقبل ۱۵/۸ تا ۱۵/۸) پس از تکیه زدن بر اینکه قدرت فرمان حجاب اجباری را ما در نمود که در عین تعرض علنی به حقوق اجتماعی زنان در پس خود خراج نمودن زنان از عرصه های اجتماعی و کشا نیدن آنها به کنج منازل را نیز نشان دارد.

آیت الله خمینی به وعده های خسود در مورد آزادی زنان در انتخاب شغل نیز وفا دار نشد. از سویی با فرمان حجاب اجباری در حقیقت امکان شرکت زنان در بسیاری از مشاغل و فعالیتهای اجتماعی را عملا" زمین برد. حق قضاوت بسرای زنان ممنوع اعلام شد و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی قضاوت را مختص مردان اعلام کرد. آیت الله خمینی که ادعا میکرد "اسلام حقوق زنان را بیشتر از مردان ملاحظه کرده است" با ختم حق قضاوت به مردان و سلب آن از زنان در حقیقت زنان را از رای "تاقص العقل" اعلام نمود و از سوی دیگر تونک تیز خنات رژیم به خصوص در ادارات به کارمندان و شاغلین زن قرار گرفت. به کوچکترین بیانه زنان از اخراج و یا "تصفیه" میگند و حتی بسخته کردن اجباری زنان در دستسور کار رژیم قرار گرفته است. آیت الله خمینی نه تنها برخلاف وعده های آیت الله خمینی در انتخاب مشاغل آزاد نیستند و حتی در بسیاری از مشاغل استخدام نمیشوند بلکه زنان شاغل نیز بسدت مورد تعرض قرار دادند و در هر لحظه در خطر اخراج قرار گرفته اند.

در نهایت رژیم جمهوری اسلامی رهبری آیت الله خمینی با برقراری قوانین ارتجاعی در مورد ازدواج و طلاق حقوق اجتماعی زنان را به تمامی با یمال نمود. آیت الله خمینی به بسیاری در زیر سایه شوم حق طلاق یک جانبه مردان در معرض فروپاشی قرار داد. زنان در مورد بسیاری از حقوق نگهداری فرزندان شان پس از طلاق محروم گشته اند. قانون تعدد زوجات بشکلی کامل دست شرو نمودن را در سوء استفاده از زنان و با یمال کامل حقوق و مقام انسانی و با یمال کامل آیت الله خمینی که وعده میداد زنان را از حد شیعی بودن خارج خواهد کرد و به مقام انسانی خودخواهد رساند و به یمال شیعی بر قوانین ارتجاعی چون تعدد زوجات و حق تبعیت زنان را به شکلی دیگر بصورت شیعی و گالاد آورده است.

بهر روز زنان در تجارب عملی خود به بسه درستی دریافته اند که رژیم جمهوری اسلامی نیز چون سایر رژیمهای با سدار سرمایه کوچکترین حق آنان را بر آورده نخواهد ساخت و آیت الله خمینی نیز تنها و تنها جهت کسب و تثبیت قدرت و بدست گیری حکومت به آنان وعده وعید برای آزادی میداده است. و آیت الله خمینی رژیم جمهوری اسلامی رهبری پیشسورد تمامی سیاستهای فدمردمی این رژیم را بسه دارد.



نه تنها آسمان اوین

که آسمان ایران را غرق ستاره خواهیم کرد!



بدنبال اعدای جمعی انقلابیون در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی، روز چهاردهم تیرماه، بیست و هفت انقلابی از جمله یک دانش آموز پیشگام به جوخه اعدام سپرده شدند. دانش آموزان پیشگام در این رابطه و برای بزرگداشت فدائی شهید علی خصوصی، دانش آموز هفده ساله که در بین اعدای دشمن بود با اعلامیه‌ای منتشر کرده اند.

... پیشگام قهرمان، رفیق علی خصوصی نیز یکی از این انقلابیون بود. رفیق که بیش از هفده سال نداشت هنرجوی سال سوم هنرستان تکنیکوم (شهید سروندی) واقع در شرق تهران بود مبارزات خود را از متنی قیام آغاز کرد و در همان ابتدا درسگری پیشگامان خلق مبارزهای آشتی ناپذیر علیه امپریالیسم جهانی و رژیم فدا انقلابی جمهوری اسلامی را شروع کرد. ... سرانجام با راپرت‌های فدا انقلابی مزدوران انجمن اسلامی، ما موران مسلح روز شنبه ششم تیرماه به خانه رفیق یورش میبردند و رفیق را با خود میبردند. و این رفیق قهرمان را که تنها چرمش! شرکت در مبارزات بسحق دانش آموزان و دفاع از منافسین زحمتکشان محروم میهنمان بودند در هفده سالگی در برابر جوخه آتش قرار دادند. ... رفیق علی در آنجسام وظایف تشکیلاتی اثر رفیق کوشا و مسئول بود. وی طی ۹ ماه که مسئولیت هدایت مبارزات هنرجویان هنرستان تکنیکوم را داشت توانست سیاست پیشگام را به خوبی در آنجا پیش برده و در جهت دمکراتیزه کردن جویدیرستان، حرکات وسیعی انجام داده‌بسی شک راه علمی پررهورترین راه خواهد بود. این راه رژیم جمهوری اسلامی نیز جزوی می‌باشد بی جهت نبوده که مزدوران حقیقی از

تحويل جسد رفیق نیز خودداری کردند و همانطور که وعده کرده بودند اورا بی غسل و کفن در گورستانی بظا هرپررت، در مسگر آباد، همراه هفت انقلابی دیگر بخاک سپردند. ولی چه پاک چه پاک که نه تنها بیست زهرا، که تمام مسی گورستان های ایران نیز برای امثال علی تنگ و کوچک هستند. علی در سینه تک تک محرومان خلق، در سینه زحمتکشان شهر و روستا، جای دارد. بیست زهرا ها، آن رژیم باد، هر آنجا که تیری علیه امپریالیسم تسلیم شود بی گمان فریاد خشم علی خواهد بود. هر آنجا که قلبی تپش مبارزه علیه امپریالیسم را آغاز کند علی در آنجا است و سرانجام علی در وجود تمام مردم زحمتکشی که هر روز در سراسر جهان علیه ظلم و ستم مبارزه می کنند حضور دارد. "ما دانش آموزان پیشگام، مبارز دیگری خون پاک علی سوگند می خوریم که راه پرانتهای را با گام های استوار و سوری افراشته تا پیروزی نهایی خلق ادامه خواهیم داد."

"کسر ۶۰ تومان از حقوق"

خدمتگذاران آموزش و پرورش

گامی دیگر

در جهت دشمنی باز زحمتکشان

از اردیبهشت ماه ۱ سال آموزش و پرورش شهری اقدام به کسر ۶۰۰ تومان در ماه از حقوق خدمتگذاران ایسی بخش نموده است. این ۶۰۰ تومان را آنجا که حقوق خدمتگذاران از حداقل حقوق دولتی (۲۵۰۰ تومان) کمتر بوده است بنسبت اضافه کاری به این زحمتکشان پرداخت می شد تا هرگاه دولت بخواهد نسبت این عنوان که شما اضافه کاری نمی کنید حذف کند.

در پاسخ اعتراض این زحمتکشان پویان رئیس اداره آموزش و پرورش منطقه ۲۰ (شهری) می گوید هرگز نسبتی تواننده این پول کارکننده می تواند برود و یا سرکند تا لایحه مربوطه در مجلس تصویب شود.

یکی از زحمتکشان در این مورد می گفت: "اگر مجلس بشکرت مردم بود که نمی گذاشت این همه ملت گرانسی و بدبختی بکشد. حال آنکه با بدبختی انتظار تصویب مجلس زن و بچه مون گرسنگی بکنند، از یکطرف به ما حیفانه ها اجازه تخلیه می دهند از طرفی هم ۶۰۰ تومان از حقوق ما کم می کنند یکدسته بهمون بکنن بریدجا در شین بشید."

یکی دیگر که پدر فرزندش بود می گفت: "شوخی نیست وقتی بکنند از حقوق من ۶۰۰ تومان کم بکنند حساب کنید چه فشاری را با بد تحمل کنم؟ و بالاخره یکی از زحمتکشان این منطقه گفت: تا همه جمع نشویم و با هم به اداره نیروم و دادا فریاد نکند هم هیچکس بما توجهی نمی کند."

می بینیم که تمام فشارها و تضیقات بردوش زحمتکشان است. کاش ۶۰۰ تومان از حقوق این کارکنان جز در حالی صورت میگردد که ۱۲۰ میلیارد تومان ظرف یکسال به جیب تجار مکتبی می رود، هر روز قرار دادهای اسارتیاریا امپریالیستها منعقد می شود در عوض تمام فشارها بران اقتصاد با بستن انواع مالیاتها و کاهش حقوق نا چیز زحمتکشان بردوش توده های محروم میهنمان سنگینی می کند.

این اقدامات نشانه دشمنی رژیم جمهوری اسلامی با توده های محروم جامعه است و این چیزی است که توده ها در تجربه روزمره خود بیش از پیش درمی یابند که این رژیم مدافع منافع سرمایه داران و تجار مکتبی است.

دادستانی نکرده علاوه بر زمین های یک زمیندار،

چهل هکتار هم به او جایزه داد!

نقل از اخبار آذربایجان (نشریه خبری فرهنگی سازمان در آذربایجان) شماره ۵

زمیندار مذکور با خود حکم تصاحب ۱۲۰ طناب زمین را از دادستانی اخذ کرده بوده با این حساب روستاییان باید ۸۰ طناب هم علاوه بر ۴۰ طناب صادر شده تا توان حرکت انقلابی خود را پس بدهند. این فقط یک چشمه زهرا را در چشماز عملکردهای ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی است. با زهم سازشکاران و خیانکاران توده ای را کثرت بگویند، این جا کمیت فدا مپریالیست و مترقیست و انقلابی و حامی مستضعفان؟! است.

یکی از زمینداران روستایی کهریز "که چهل طناب (نزدیک به ۲۰ هکتار) از زمینهایش، بعد از ۲۵ ماه بدست دهقانان مصادره انقلابی و کشت گردیده بود. اخیراً زمیندار مذکور همراه یک ماشین پاساژ و حکم دادستانی! به روستا هجوم آورده و با تراکتور زمینهای کشت شده بوسیله دهقانان زحمتکش را که اغلب گندم و آفتابگردان در آن کشت شده بود، زیر و رو میکند. (با توجه به اینکه فصل استفعال گندم نزدیک بود) زمیندار"

سازشکاران بدانند کارگران پیدانند

اعدامهای اخیر رژیم دمدمش جمهوری اسلامی...

بقیه از صفحه ۸

صاف بنکاران به دست جسمی - که خلقها اصلی سرکوب کنونی است - بزعم خودش قلم و قلم پيشرو انقلابی را هدف ما جل خود قرار داده است. البته نیز جمله رژیم مشوجه بها هدین خلق است. تاکنون بیشترین تعداد اعدامها و دستگیریهای آن آنها بوده است. بخوبی روشن است که رژیم فرونگو در مورد کتف خا نه نسیمی بها هدین غلبو میکند بنا روحیه مردم و مبارزان را - تضعیف کند و ولی خود این امر تا شیرات عکس داده و مردم پیش از پیش بستنه نیروی خودهای آنها بی می برند. رژیم خلقی بها هدین خلق و سایر نیروها و انقلابی در مقابل پیدا دگا بها و در مسلمان های تیز که از قول خود عوام را رژیم بیان می شود (نظیر مصاحبه لاجوردی جلاد و گیلاسی جاس تیکار) پیش از پیش علاقه و بیعتیانی بوده را نسبت به بها هدین اغراض است. هر چند که بها هدین خلق تنها کتون تحلیلگری در مورد حوادث اخیر نیست به دست داده و در مورد دستگیریهای و کتف خا نه های نسیمی اظهار نظر کرده اند و ادو لی که ملا شخص است که علی رغم سیاست پر سر و صدا و جنجال بی که رژیم در مورد دستگیریهای و کتف خا نه های نسیمی بها هدین بزبان افشاخه است. با غلبه دستگیریهای از هوا داران و سیم آنها بوده است که شکل توده ای در همه شهرها وجود دارد و دستمکيلات اصلی بها هدین و بخصوص کار در رهبری از ضربه مضمون ما شده است. پس از بها هدین بیشترین تبلیغات رژیم علیه مبارزان ما است. رژیم تا آنجا که نتوانست و از آنجا سیر از هوا داران - ما زمان در اختیارش بوده اند تا مگشی کرده است. هم چنان که دشمنی دمدمش به خویش را با اعداام رفیق دلیر ما سعید سلطانپور که ما بها قبل در دست او اسیر بود نشان داد. اما علی رغم تلاشها و بدبو جان رژیم سلطان که تا خوب بودن ضربه به ما زمان صاف خوشبختانه نسیمیا رگ موفق بوده است. - بعدها اعداام شدگان هوا دار ما زمان پس از بها هدین و بیگنا رفته است. پس از ما علی رغم ما زمان ما و بیگنا رگروه ها و غیره تبلیغات چریکهای فدایی خلق و حزب دموکرات و کومله را نشان داد تا آنکه کمونیست چنانچه چیب بها هدین کمونیستها و فرغان - مورد حمله و تخریب رژیم ترا و گرفته و تعدادی از اعضاء و هوا داران ما اعداام گردیده و بعدها در باره دستگیر شده اند.

آنچه به چشم میخورد نسیمیا بر نا مگشی رژیم در دستگیریهای و اعداامها یکور است. از نظر روحیه نیروها ما زمانها انقلابی در سطحی لایقی قرار داده و بدون این اعداامها و دستگیریهای جز در عتقا سر منزل که تنها در روزهای خوش آفتابی به راه میباشند و نظایرات ما است آسیر سری میزند. از طرفها شده است. اما آنچه در جریان این یورشها و دستگیریهای چشم میخورد عدم آمادگی باره ای از نیروها برای مقاومت با چنین روزها می است. به جز ما زمان ما که از جهت تعداد و پیشبینی با حر تبلیغات نسیمیا بی تا نشانها می موفق بوده است. نسیمیا و هوا داران ما تبلیغات بسیار نسیمی هدف جدی داشته اند. بها هدین خود است که در این شرایط که امکانات ما نسیمیا بوده ای شده است نسیمیا نظر ارات، پلانکا رهگیری، دگ زنی، هروش علی روزنامه و... وجود ندارد. اما نشانها را علامه ها و نشریات که به ما مردم به من گفته و مسائل و مسائل آنها را با سخنها ترا نسبت بسیار است. مردم بها هدین و مقابل تبلیغات و وسیع رژیم جواب

رژیم جمهوری اسلامی دیکتاتوری ارتجاعی یاب...

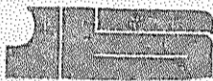
بقیه از صفحه ۷

ما کم در کشور و شعبین رویش پرولتاریا در مقابل آن، از انجام وظایف انقلابی خویش باز خواهم ماند. در مقدمه ها و نوشته ها ما به نقل از نینین نوشتیم: مسئله اساسی هر انقلاب موضوع قدرت خاکه در کشور است. پس بدون توضیح این مسئله نمیتوان از هیچگونه شرکت آگاهانه در انقلاب و بطریق اولی از رهبری آن صحبت کرد. ما همچنین در مقدمه انشای علمی تحلیلها کمیت در نبرد خلق تا گید کردیم: از آنجا که امروز مسئله ما کمیت ما به خلقه اصلی و مهم ترین مسئله جنبش کمونیستی می باشد، ما با انشای نقطه نظر ما زمان در این مورد جهت وحدت جنبش کمونیستی و برای طرد سایر زکا ران و رفروست ها کوشش می نمایم. ما با تا گید بر این مهم ترین مسئله انقلاب ایران توانستیم خط و مسرز قاطعی بین خط و مشور رفروست و انقلابی ترسیم کنیم. و در طول مدت یکسال و اندکی گذر از روزها نشاء بین ما و آنها میگردد. تحولات اجتماعی - سیاسی با سرعت بسیار شدی جهت تحلیلها و پیش بینی های ما با بطور انکارنا پذیر به ثبوت رسائید. دو روز ما بی مختلف از خلعت قدرت خاکه دموکراسی انقلابی یا دیکتاتوری ارتجاعی در پرده دوسال و نیم گذرا گذر انقلاب و ظاهرا انقلاب، صحت و سقم خود را به ما آشکارا ساخته است. اما به یکسره خلعت قدرت خاکه را دموکراسی انقلابی از سیاسی می نمودند تا کمیت کاملی رو بر روی است و در انجمن این نظر سوا و بی اعتبار گشته اند. دموکراسی انقلابی اطلاق کردن به رژیمی که ترور زکا رورکستوب عزیزان کارگران، دهقانان، رزحمتکشان خلقهای تحت ستم و نیروهای انقلابی را بمقام یک سیستم حکومتی ارتجاعی داده است، ارتش ضد خلقی را با ریزی میکند، ساواکی ها را عوامی میکند، ارتگانهای نظام سر ما یه داری وابسته

مسائل را داشته باشد. با بدینا بنسند حوادتی که اتفاق افتاده، حرکات و عملیاتی که صورت گرفته مربوط به چه نیروئی است و با بدینا هند در این شرایط وظایف آنها چیست؟ یکی از اینها بسیار مهم این اعداامها برای ان نیروها نسیمی بود که ما بهیت واقعی و فتن رژیم جمهوری اسلامی را درک نکردند و تصور میکردند راه ما به ما این رژیم است و اندک امکانات علمی، کل و گما دوبلا زبا شد. این امر یکبار دیگر مردم و بدون ما زمان علمی (که نینین با راه داران تا گید کرده بود) و در کردن نیروهای خودی در نتیجه خلق سلاح کردن پیشروها انقلابی را در مقابل دشمن بنا بهیت ارتجاعی که با اعمال نسیمیها می شیمستی خاکه خود را بسته پیش می برد. نشان داد. هر چند که نسبت آوردن این تجربه و حرکت در جهت سازمان دهی نسیمیا که نسبتا سببا شرایط دیکتاتوری حسن بنا شد پس از تحلیل فریاتی عملی نسیمیا (که کمیتها نسبتا احصاء پذیر بود) ولی همین امر نقطه عطفی در وضع سازماندهی این نیروها بود که با بین مسئله توجه کافی مندول تمی کردند، موی که نسیمیا

بسیاری از نیروها صادق و ساده دل - جریا تا تا جناح راست اکثریت و حزب شده از آن غافل بوده و روزی طعم تلخ آنرا خواهد چشید. اکنون که نزدیک یکماه از اعداامها و حشیا رژیم دمدمش جمهوری اسلامی میگردد، سووشی می نسیم که خاکه کمیت پیش از پیش در چشم بوده ها منشور و مسائل جلوه گردیده، توده ها خشکین ترا گذشته در مقابل خاکه ضد خلقی قرار گرفته و نیروها و انقلابی در ما زمان به خاطر استقلال، کار، مسکن و زندگی را از گذشته ایستا ده اند. رژیم نسیمی با بدینا نشانها در سبز - ح است. آنان که با دیکتاتورانه طوفان در خواهند کرد. درودوا افشا بر بدلاورا نسیمیا خون خود درخت آرا دیوا استقلال خلقها را بران را آبیاری کردند. با دغا طره شهدای خلق همیشه زنده است و ایها م بخش مبارزان راه ما شای خلسق می باشد. درود بر شهدای فدایی، مجاهد و همسره شهدای انقلابی خلق.

را با ریزی می کند. نفت راها نسیم شرایط زمان شاه به کمینا نسیمیا ای سر با نسیمستی می فرود، لوازم بدکی و سایر بزرگ جنگی از آنحصارات نظامی امیر با نسیمستی خریداری می کنند، قراردادها را با زرگانی کلان سوری با امیر با نسیمستی می بندد، تجارت خارجی با دنیا را سر ما به داری زا گسترش می دهد، از جنبش های ارتجاعی در منطقه نظیر جنبش ارتجاعی در افغانستان، حزب الدعوة در عراق، جنبش امل در لبنان حمایت می کند، با دولت های سوسیالیستی، دموکراتیک و مترقی دشمنی میوزد، حق سوزی دموکراتیک خلقهای تحت ستم را انکار کرده و خلق کرد، ترکمن و... را مسلحانه سرکوب می کنند. از زمینداران در برابر دهقانان و از سر ما به داران در برابر کارگران دفاع می کند. ترور و اختناق کاملی خاکه کم کرده و کلیه نشریات انقلابی را توفست می کند. دسته دسته فدائیان و مجاهدین خلق و سایر نیروهای انقلابی را به جوخه های اعداامی سایر دولتها و انقلابی انقلابی آرا را محاصره می بدون اینکه نام و جرم شان مشخص گردد. تیرباران می کند، شو ما بها وجهان ها و سعید سلطا نیورها را در زندان تروری می کند، قوانین ارتجاعی نظیر قصاص را به اجرا می گذارد، بها نسیمیا با کمونیست و کمونیستها بلکه با دموکراتهای انقلابی نیز دشمنی میوزد، اگر کار ربه روزی و با دغا های آن نشاء شدتها کارمجنونان و دیرانگان می نشاء شد. دموکراسی انقلابی به تنها در فرهنگ ما رگمیستی، بلکه در فرهنگ ما عیان به مردم نیز مفهومی دارد که بهیچوجه نه از لحاظ شکل و نه در مفهوم و محتوا خرابیت و تشابهی با رژیم خاکه ندارد. بها بد در شرایط کنونی کسبه و اقصیات زندگی اینگونه سر بسج و عزیزان خط بطلان برای ما و گورنیها می کشد. نیازی به توضیح نشوریست این مسئله نشاء دیکتاتوری ارتجاعی خاکه آنچنان عیان باشد که نیازی به بیان حس نگردد، اما ما یکبار دیگر بطور خلاصه و موجز از اوه تئوریک این مسئله را بررسی می کنیم تا آن دسته از رفقای ما دقای که هنوز در ادای این شبه تئوریهها سرگردانند، بدرک درست مسئله تا کل آیند. - ادا صدارد -



گودشای بی درکستر

مقدمه

دوران های انقلابی مرکز جاذبه و تضادها بند که بطور کلی خط مستقیم می روند، دنبال نمی کنند. آنچه در پس همه ی رویدادها و حتی وقایع نا منتظره، همه ی تصادفات پراکنده و جزئی قرار دارد، همانا حتمیت تدریجی است که در آن سر نوشت انقلاب تعیین خواهد شد.

تاریخ معاصر ایران، در تحلیل زمانه، بسیار نگرنا خیر بوده ها در به بیان رساندن انقلاب است و از همین روست که جنبش ها و انقلابات برخی اهداف مشترک را تکرار کرده اند. چرا که از دوران انقلاب های مشروطه (۱۹۰۷-۱۹۰۲) تا حال، که در ضمن با چند دوره ای ماقبل انقلابی (دوره ی ۱۳۲۰-۱۳۲۵ و دوره ی ۱۳۲۹-۴۲) - مشخص می شود، همه ی انقلاب ها و جنبشها با به سنگلاخ کشیده شده اند و با نیمه کاره رها شده اند. و اینک طبقه ی کارگر و خلق ایران، که دومین آزمون عظیم تاریخی خود را پشت سر می گذارد، هم می باید اهداف نیمه کاره رها شده را بطور کامل تحقق بخشند و هم تجارب تاریخی را بار دیگر تجدید کنند در عین حال که به با اهداف و تجارب جدید روی آورند.

ما در یادداشت های تاریخی و وظیفه ی خود را با روشناسی اهداف و تجارب مشترک قرار داده ایم که اینک لزوم آن بی چون و چراست.

از دهه ی ۱۸۸۰، ایران به مدار تجارت جهانی کشیده شد. و تحت سلطه ی استعمار رگرانه (روسیه و انگلستان) زندگی اقتصادی و روندمبارزه طبقاتی در آن دستخوش تغییراتی عمیق شد: از یکسو توسعه ی صنایع ملی مختل شد و از سوی دیگر هرگونه توسعه ی آن مستلزم انقلاب ملی بود (انقلاب ملی به عنوان مکمل انقلاب ارضی).

از همین روست که انقلاب ۱۹۰۷ نه تنها سلطنت و روحانیت (متحد اشرافیه) را زمینداران را تا ماچ ضریب خود قرار داد بلکه هم علیه سلطه ی استعمار رگرانه جهت گیری کرد. و هم از این رو بود که "ناشره ی جنگ داخلی ۱۱-۱۹۰۷ با پلاهای روس و انگلیس مشتمل شد".

دوره ای که از پس آن آغاز می شود تراکمی است از کشاکش های بی پایان، عمدتاً بی نتیجه، همراه با تضعیف همه ی نیروهای اصلی درگیر:

ارتجاع "ها رولجام گسیخته" تجدید قوا می کند. اشرافیت زمیندار، بیثبات به تنها نیروی "خود آگاه" صحنه دشمنی جنون آمیزی علیه جنبش توده ای و بویژه قیام های دهقانی

یادداشت های تاریخی (۱)

نشان می دهد، و با همدستی امپریالیسم بریتانیا و روسیه در تقویت نیروی سیاسی و نظامی خود می گوشت. با این همه ما بحران درونی آن که ناشی از تعارضات پیوسته ی فئودال نشین های بزرگ، رقابت های امپریالیستی و برجسته شکست ها (مانند نفوذی و بندگی، پیدایش پارلمان ورژیم مشروطه) از یکسو و جنبش انقلابی توده ای همراه با کوشش بورژوازی در راه دمکراسی سیاسی از سوی دیگر، بود از تمرکز بخشیدن به قدرت سیاسی و نظامی آن مانع می شود و از هم پاشیدگی شیرازی امرو دولت های مستعجل تجلی آن است. ارتجاع به جنگ آشکار علیه توده های مردم منسوخ می شود، فدا نشین و مجاهدین تبریز را اعدام می کند، برای هر قیام و جنبش قشون روانه می کند، در برخی مناطق حکام نظامی را می نشاند، اما ضعف و پوسیدگی آن، آنرا از توفیق نهائی باز می دارد. خصیصه بورژوازی ایران به منزله ی اپوزیسیون، همانا ضعف آن بود و از همان آغاز هر چه بیشتر خصیصه ی طبقاتی گراکه می یافت. از همین رو بین انقلاب توده ای و ارتجاع سلطنتی، اشرافی و مذهبی نوسان می کرد و هر جا که تمایلات توده ها بطور ادیکال مطرح می شد، چرخش آن به جانب ارتجاع نیز آشکارتر می شد. این ضعف و طفیلی گری ناشی از فقدان شرایط عمومی توسعه ی سرمایه داری بود که سرمایه گرد آید و راه بسوی صنعت بلکه بسوی کشاورزی برآورد می کرد. یعنی، هر چه ایران بیشتر به میدان اقتصاد جهانی و به میدان امپریالیستی کشیده می شد، به همان سرعت نیز با الزامات بازاری جهانی انطباق می یافت و بهمان نسبت هم به مراکز امپریالیستی وابسته تر می شد. رشد مناسبات آن با اقتصاد جهانی موجب افزایش ارزش و اجاره زمین شد و بورژوازی تجاری و سوداگر به برکت نیروی کار انسانی بسیار ارزان دهقانی و امکان بهره کشی بی حد و حساب سرمایه ی خود را به کشاورزی انتقال داد. این سرمایه هنگامی که به کشاورزی پناه داد به همان شیوه های بهره کشی فئودالی متوسل شد و بعضاً "به احیاء و تقویت شرایط بندگی در روستاها پرداخت". این بورژوازی که یکی از اهداف انقلاب را همانا نافرمانی ارضی ادیکال می دید، به جنبش انقلابی پشت کرد و تنها به پرگوئی های پارلمانی و پسا توطئه گری ها شئی در باب لابسته کردن دینسان، انقلاب توده ای فاقد رهبری انقلابی بورژوازی بود در عین حال که هنوز توده ها بطور مستقل و با اهداف

مستقل در انقلاب نیرومند، آنان بدلیل مبارزات شدیداً ناموزون، پراکنده و فاقد رهبری انقلابی متمرکز از پاشی قطعی به ساله ای اساسی دوران با زمانه بروز فحطی های بی دریغ، گستردگی صف بینوایان و ادامه ی طولانی نبردهای فاقده تاج پایداری، در بخشی از توده های شهری موجود نوعی خستگی شد. در عین حال، قیام ها و جنگ ها تنها بطور منقطع ای روی می دادند بی آنکه خلعت عمومی بسپارند، و به همین خاطر، قیام در آنجا کردن نیروهای شهری نشدند. آنچه در این میان بی چون و چرا بود، ضرورت رهبری انقلابی پرولتاریا بود که می با بد حصول پلاتفرم مبارزه ی انقلابی، توده های دهقانی - کارگری را سازمان می داد. لکن حزب کمونیست، با آنکه ما چنانچه چنین پلاتفرمی بود، هنوز در آغاز را برود و چندان ریشه نداشت و نده بود (آقا زاده در سخنرانی خود در کینینترن، چکیده ی پلاتفرم حزب را چنین بیان می کند: "ما در برنامی خود به عنوان وظیفه ی مقدمه فقط راندن انگلیس ها و سرنگونی دولت شاه بلکه هم فراخواندن مجلس موسسان را منظور داشته ایم که در درجه اول میباید بقایای فئودالیسم را از میان بردارد و نیروهای مولد را از بندهای سختی که هم اکنون بدان گرفتارند، آزاد سازد." (سومین کنفرانس ۲۲ ژوئن ۱۹۲۱).

خلاصه کنیم: مشخصات اصلی این دوره عبارتند از:

۱- بحران فراگیر

ما در داخل خود طبقه ی فئودال، مبارزه ی طبقه ی زمیندار حاکم علیه کوشش های بورژوازی ملی برای آنکه به نحو ای از آنها در اداره ی مملکت سهمی کسب کنند. و با لایحه مبارزه ی فئودال ها و اقشار فوقانی بورژوازی ملی علیه جنبش انقلابی و سازمان های انقلابی.

۲- عدم برتری مطلق هر یک از این نیروهای اصلی - سلسله قاجاریه بسیار ضعیف و سالخورده بود. نقش بورژوازی عمدتاً ناچیز بود و بورژوازی کمپرادور که همه ریشه های عمیقاً در سرمایه داری خارجی مستقر بود، قادر به راهی راه، حل مستقل و نیرومندی نبود. برعکس، "همانند روحانیون همواره ابزار قدرت دست ارتجاع امپریالیستی بود" و از همدستی با اشراف زمینداران با کی نداشت در این میان، به دلیل فقدان رهبری انقلابی با کفایت پرولتاریا، نیروی توده ها در یک سلسله نبردهای پراکنده و جزئی به هدر می رفت.

بر چنین زمینه ای بود که کودتای سیدضیاء - رضا خان بمنزله نخستین برده ی تدریجی شکل گرفت. "آرایش طبقاتی ایران معاصر به بهترین شکلی مناسب نقشه های ارتجاع بریتانیا، رضا خان است... کل این اراذل و اشرافیت زمیندار، روحانیون و بورژوازی کمپرادور، و رضا خان در آن بقیه در صفحه ۱۶

نه سازش نه تسلیم نبرد با آمریکا

کودتای بی درد سر

بقیه از صفحه ۱۵

آنان، آماده‌ی خیانت به هرفیمتی به
منافع کشور، آن نیروی داخلی است که
سومانی‌های بریتانیا خود را بر آن ستوار
می‌سازد و در حالی که بیلسن ملی، ساخته‌ی
انتخابات فدراسی، سمبل اراده‌ی متمرکز
این اراد است.
در زیر می‌گوئیم ترمیمی از این
بیرون بدست دهیم.

کودتای ۱۳۲۹ (۲۱ تیریه ۱۹۷۰)

همه می‌گفتند کودتا نخواهد شد،
این را هم می‌دانستند که انگلیس هم
در آن کودتا دست خواهد داشت تنها
قرارداد ۱۹۱۹ را به اجرا گذارند و در برابر
"نمود" شوروی و اقدامات دولت آلمان
بیاستند، برخی حتی یقین داشتند که
"تا مرده‌های" کودتا افرادیست نشده و
سومانی‌های نظریه‌ی روز میرزا فرمانفرما
(رئیس پلیس جنوب) خواهد شد.
گروه‌های دیگر از جمله سرال ایل‌بختیاری
خود را آماده می‌کردند تا در روز موعود
گوی از میدان برآیند. دولت مختصر
احمدشاه، طاجا روسی‌نیک دریا فته بود
که دیگران "شروطه" بازی کاری ساخته
نیست، و تنها راه حفظ منافع طبقه‌ی
حاکم، راه مقابله با بحران اقتصادی
دوران بعد از جنگ جهانی و راه سرکوب
تیمت‌های محلی (که با افکار مشروطه
خواهی و اسلامی آغاز می‌گردند و در روند
گسترش خود به تمام‌های دهقان‌نوی
گرایش‌هاست) است. می‌شدند، اما تنها
سرقراری حکومت "نظم"، "ایجاد امنیت"
و احیاء "ملت یکپارچه" است، اما هیچ
کس نمی‌دانست و به خاطر کسی غلط
نمی‌گردد که بحران طرح فرماندهی
قانون انگلیس در ایران (سرمونند
ایران سابق) به جای خود دهنده شده
و با سابقه، یک آخوندزاده‌ی روزنامه‌نگار
(سیدضیاءالدین) و یک قزاق گمنام که
با نیا "مستند" سفارت هند می‌شود
(رفا خان میربخت) باشد، احساس
مفهوم "یک سید" "قادی" و یک قزاق
"عادی" خود یکی از عوامل نیروی
کودتا در آن زمان مردم "عادی" بود.

اکنون "تاجیان جدید" می‌توانند
خود را سخنگوی "نوعی مظلوم" نمایند،
کارگران، دهقانان و شهیدستان را "کجا"
مخاطب قرار دهند، برای جلب اعتماد
مردم، به معادری موال برخی از اشراف
و رجال ایران، بویا ملاقات ارضی را در
آینده می‌تواند "اعلام" دارند، در توجیه
دستگیری و سیدضیاء زادی خواهان توجیه
مطبوعات "خطر تخریب" ایران را بیس
کنند و در همین حال که قرارداد ۱۹۱۹ را مو
به مو اجرا می‌کنند و در این قرارداد
اعلام کنند، در یک کلام، آنان از انفعال
و خستگی نوده‌های شهری جداگشته
سوره برداری را برای جلب آنان به
جانب خود کردند.

یک هفته پیش از کودتا، بیرون‌ساز
فرمانده مشون انگلیس در ایستگاه

بوست: در وضع کمونی ایران، کودتا از
هر زمانی بهتر است. در حقیقت، طرح
کودتا از مدت‌ها پیش، یعنی از بسند
استقرار حکومت شوروی، مشغله ذهنی
انگلیس‌ها بود. آنان می‌گوشیدند در
کشورهای هم‌مرز شوروی و بلکان کمربندی
از دیکتا توها برای مقابله با همسایه
شمالی ایجاد کنند (از نما رگه آلمان،
لهستان، ترکیه، ایران و ...). اشکال
عمده‌ی اجرای چنین طرحی در ایران
عدم انجام قوای نظامی (همراه با
بحران سیاسی عمیق) بود. حضور
افسران سوئدی و فرانسویان روسی،
ارتش ایران را از یکپارچگی بازمی‌داشت.
نخستین اقدام انگلیس در این جهت
قرارداد ۱۹۱۹ بود که بدست وثوق لندون
رئیس الوزرای وقت منعقد شد و آن چنان
تا خرسندی و انتهای برانگیخت که
دولت بعدی (مشیرالدوله) از اجرای آن
سر باز زد. ماده ۴ این قرارداد پیش‌نهاد
می‌کرد که برای "حفظ نظم در داخله و
سرحدات" ایران "قوه متحدالشکلی"
زیر نظر افسران انگلیسی ایجاد شود. در
۱۹۲۰ انگلیس‌ها از دولت مشیرالدوله
خواستند که افسران روسی را از بریکارد
قزاق اخراج کند، بهانه این بود که
در نبرد با جنگلیان افسران روسی
نهنجیده‌اند و گزرا پشات بلشویکی
داشته‌اند. بدین سان، دولت انگلیس
بر آن بود که از سیرا "قرارداد را به
اجرا درآورد. وزیر مختار انگلیس
(نرمان) تا بدان جا حاضر در سنگن
قرارداد که کابینه مشیرالدوله را
ساخته بود، وی در گزارش خود نوشت:
"مشیرالدوله استغفا" خواهد داد ...
من سینه‌ای عظم را برای تشکیل دولت

اسم بردم. رئیس الوزرای جدید حکم
انفصال افسران روسی و سوئدی را از شاه
گرفت (نوامبر ۱۹۲۰). برای جلس
رضایت قزاق‌ها صدها هزار تومان پول در
میان شان تقسیم شد و حاصل این پول
سیدضیاءالدین بود. با این اقدامات
بخشی از قرارداد ۱۹۱۹ به اجرا درآمد.

در همین سال (۱۲۹۹-۱۹۲۰) قسوا
شوروی برای کمک به نیفت جنگل وارد
انزلی شد و در زمین مراغه خواستار خروج
مشون انگلیس از ایران شد. سیاست
پرولتاریای شوروی که آماده بود همه
قراردادهای تزاری را لغو کند، تا سیات
تجاری را به ایران بازگردانند،
استیازات قبلی را ملغی کند، انگلیسها
را بناچار بر آن داشت که تغییر سری در
سیاست تجاری و گزرا نه‌ی اشکار خود دهند و
دریوش یک "حکومت ملی" سلطه‌ی خود
را با برجا سازند.

اکنون که مقدمات کار فراهم
می‌شد، قوای انگلیس هم می‌توانست
جهت حفظ ظاهر قزاق خود را از ایران
خارج سازد. پس عقب نشینی از خراسان
را آغاز کرد و دستور تخلیه قزوین و مرکز
عملیات، نیز صادر شد. در نوامبر ۱۹۲۱
ز سوال ایران ساید از ردی قسراق در
قزوین باز دید کرد و اعلام کرد: "رفقا ما
باید همکاری کنیم، زیرا دشمنان مشترک
گمونیستهای گیلان هنوز سرکوب نشده‌اند"
در این هنگام بود که ایران با سید
فرماندهی قوای نظامی را به رضا خان
سپرد که در گراندهتل قزوین ملاقات
و مذاکره کرده بودند. رفا خان جسرو

قزاق‌های بی‌دیده سرکوب رست رفت
و از قوای کوچک خان شکست خورد. اکنون
در این رابطه و با موریت آن خود
می‌گفت: "قزاق‌ها بلشویک‌ها را خوب
می‌شناختند و از این که می‌بینید پشت سر
هم دولت‌های تالیقی سرکار می‌بیند و
هیچ کس کوچک ترین اقدامی برای
دفاع از کشور و یا بیخت از حملات
بلشویک‌ها به عمل نمی‌آورد، خسته و
منزجر شده‌اند و بیش از این نمی‌توانند
آشفته‌ی اوضاع را تحمل نمایند." در
۲۴ دی ماه، دومه قبل از کودتا
دولت شوروی نیز قوای خود را از انزلی
فراخواند و راه سرکوب نهضت جنگلی
هموار گشت.

در همین ماه دولت سیه‌دار (پس از
یکبار استعفا و تشکیل مجدد) به این
بها نه که مردم با مجلس مخالفت
می‌کنند، خواهان انتخابات آزادند و
تظا هرات برپا می‌دارند، با مسلمان
حکومت نظامی کرد. این نه دولت
روز پیش از کودتا و در توجیه حکومت
نظامی می‌گفت: "حکومت نظامی تنها
زمان افتتاح مجلس شورای ملی
برقرار" خواهد بود و به "افراد آشوب طلب
اخطار می‌شود که هر کس برخلاف امنیت
حرکتی بنمایند موجبات نزل افکار
را فراهم سازد، بدون ملاحظه تحت تعقیب
واقع شده" و "مجازات خواهد شد. همزمان
در شهر شهرت دادند که اتباع انگلیس
در حال تخلیه ایران اند، به زن و فرزندانش
خود دستور داده‌اند فوراً "از کشور فرار
شوند. شهابیان یک مرکزی تعطیل شد.
ویانک اصحابان حکم مرکزی خواست شد.
اسکانس‌های خود را از بانک خارج سازند
و به قران تبدیل کنند. احمدشاه در هراس
و بیمناک، اصرار می‌ورزید که ایران
را ترک گوید و انگلیس‌ها ما تعسست
می‌کردند، در ضمن از او می‌خواستند که
موافقت کند قوای قزاق قزوین برآی
حفظ نظم و آرامش دریا بیخت به تهران
بیاید.

در این روزها بوده همه سخن از
کودتا بر زبان داشتند. سردار استبد
بختیاری برای در دست گرفتن حکومت
در حال جمع آوری قوا و تشکیل جلس
مخفی بود، سالار جنگ قزاقی فال راه
نام خود می‌دید، فرمانده منقل بریکارد
قزاق "استاروسلکی" نیز دست بکار شده
بود و فرمانده خود را به تهران رسانده
برای "قرار نهائی" با بیرون ساید
ملاقات کند، اما انگلیس‌ها تا مرده‌های
خود را انتخاب کرده بودند. ۲۵ بهمن
سیدضیاءالدین طباطبائی مخفیانه به
قزوین رفت تا مقدمات حمله ۲۵۰ قزاق
را فراهم کند.

سیدضیاءالدین طباطبائی
فعالیت سیاسی خود را با "روزنامه
"شرق" آغازید، هرگز با هیچ حزب و گروهی
در نمی‌میخت، کار او با جگری و شوه ستانی
از افرادی بود که ابدنای او به واسطه
می‌فراسیدند. کارسندساری او به جاشی
رسیده که به ناگزیر روزی ترس جان بسا
دوگاردترو نیست حرکت می‌کرد. در دوران
زمانداری وثوق الدوله، به ضرب رسته
به دفاع سرسختانه از قرارداد ۱۹۱۹ -
برآمد و روزنامه "رعد" را در بیست در
اختیار رسانست تجا و زکارانه انگلیس
نهاده.

خراب کردن آلونک ها و جمع آوری دهک ها و ... جلوه دیگری از سیاست سرکوب رژیم ضد خلقی

در دو سه هفته اخیر پوش و حبس نامه با سداران سرما به رگ بسته چپها به رحمتکشان آلونک نشین و دهکداران - خاشاک خا به آنها یتهران اسنادی گسترده با فداست. تجربه دوسال و اندی که از - حکومت جمهوری اسلامی میگذرد نشان داده است که هرگاه رژیم پورش سرکوبگرا نشسته خویش را به نیروهای انقلابی آغا زکرده است در چنین جوترو را رعاب گوش کرده است اقدامات ضد مردمی خود را علیه رحمتکشان کشورمان بنماید کند مثلا به جمع آوری دهک ها، خراب کردن آلونک ها، جمع آوری کتا بفر و شبها ی خاشاک خایبان بستن چایخانه ها و یا لایحه بتصویب رساندن لوایح ضد مردمی در مجلس و انجام انتخابات میان دوره ای و ... میادرت کرده است بیاداداریم که در ۲۸ مرداد ۵۸ وقتی بیورن بدفا ترما زبا نه ای انقلابی انجام گرفت بدنبال آن حمله بگردستان آغاز گردید و در پی آن جمع کردن دهک ها ی جنوب با رگ ملت و سایر مناطق و اخراج خاشاک بدوشان از خاشاک خایبان و اطفالی و جمع کردن آلونک ها آغاز گشت. ولی بدنبال شکست های رژیم در کردستان بود که عقب نشینی های او را در زمینه های دیگر دریی داشت و او بنبار رگه زانو او خرد داد ماه رژیم ضد خلقی پورش به آرا دیها را با حمله به نیروهای انقلابی و دستگیری و مسج و اعدا مها ی دسته جمعی انقلابیون و سایر زان آغا زکرده، تصمیم گرفته است در چنین شرایطی صاب خود را بسازد رحمتکشان دهکدار آلونک نشین ها، کارگران مبارز و ... بکسر کند. وبسه عنوان نمونه پورش به آلونک نشین های شمال میدان آزادی میخوان ذکر کرد که صبحگاه نزدیک به صبح با سداران سرمایه با یک پورش غافلگیرانه تمامی آلونک های گلی و چادرها ی رحمتکشان را ویران کردند. البته سه روز قبل از آن عده ای - با سدار برای خراب کردن این آلونک ها به منطقه میروند ولی با مقاومت یکپارچه رحمتکشان روبرو میشوند و کار به زود خورد می کند و با سداران که عده شان کم نبوده تا چاره عقب نشینی میشوند. و از این جهت چند روز بعد یعنی ۱۶ تیر ماه حدود ۱۵ با سدار و کمیته جی و چند با سبان بسا ماشین کمیته و یک لودریا در دست داشتن حکم دادستانی انقلاب ۱۱ به محل آمده و بطور ضربتی بنا گها تی - نظیر اینکه محوآ هندسیک در سخرنا بدیری دشمن خارجی پورش بردند! - به خانه های - رحمتکشان حمله ور میشوند و تمامی آلونک ها را با خاک یکسان میکنند و در مقابل برابر با دوشون زنان و کودکان و اعتراف مردان بنگویند: "این آلونک ها چهیره شهر را کشف میکنند و با یخ خراب میشوند - آنها سرمایه جادری و کلیس این رحمتکشان هموطن را که اغلب آنها از جنگ زدگان - عرب و صوب بوده و رگه امیک با دو کشته در جنگ داده اند با دو کشته بدون اینکه برای آنها فکری کرده باشد و در جواب -

گرامی باد نادری رفیق یحیی رحیمی

اعضا ب غذای شصت روزه و تنهاسا گوشه ای از مقامت فهرا ما نه این رفیق کمونیست، این مدافع مناسخ توده های زحمتکش بود که رژیم را به عجز و زبونی خود در برابر اراده پولادین انقلابیون واقف ساخت.

رفیق یحیی همزمان با اوج گیری جنبش انقلابی توده ها در سال ۵۷ به راه دیگر زندانیان سیاسی از زندان آزاد شده و دوش با توده های زحمتکش به مبارزه علیه رژیم شاه ادامه داد. پس از قیام در کرمانشا و روستاهای اطراف آن به سازماندهی و آگاه کردن توده ها پرداخت و در مقابل پورش مسلحانه رژیم به روستا ها و شهرهای کرمانشا همراه با توده ها به مقاومت مسلحانه پرداخت. رژیم همه جا بدنیال او میگشت. اما رفیق یحیی همچنان به مبارزه خود ادامه می داد. او در زمره نخستین کسانی بود که در برابر سیاستهای تسلیم طلبانه و خاشاک خا نشانه کمیته مرکزی "بسیار زودخواست و بی اعتمادی" مستقلا به فعالیت سیاسی خود ادامه داد. گفته می شود که رفیق حدود سه ماه پیش توسط مزدوران رژیم دستگیر شده است و با لایحه چند روز پیش بدست مزدخیمان رژیم بنهادت رسید.

یادش گرامی باد.

نام و شخصیت انقلابی رفیق یحیی رحیمی برای بسیاری از انقلابیون و زندانیان سیاسی دوران رژیم شاه شند خسته شده است. رفیق یحیی که چند روز پیش بدست مزدخیمان رژیم جمهوری اسلامی شهیدت رسید.

او یک انقلابی بیگرومبارزی آشتی ناپذیر بود که سالها عمر خود را در مبارزه علیه رژیم شاه و در زندانهای ساواک گذراند. مبارزه انقلابی خود را از سالهای قبل از ۵۰ آغاز کرد. در سال ۱۳۵۰ دستگیر شد، اما از آنجا که ساواک نتوانست علیه او پرونده سازی کند، آزاد شد. دوباره به فعالیتهای انقلابی خود پرداخت. در سال ۱۳۵۲ مجددا "باتهام" ارتباط با سازمان دستگیر شد و مدت سه سال در سلولهای کمیته و شکنجه های مدام بسربرد. مزدوران ساواک تصور می کردند که با شکنجه های مدام میتوانند مقاومت او را درهم بشکنند اما او هیچگاه لب بسخن نگشود. سرخشان در مقابل آنها مقاومت کرد. پس از آنکه ساواک از گرفتن هرگونه اطلاعات از او مأیوس شد سرانجام او را بزندان قصر منتقل کرد. او در زندان قصر نیز همچنان علیه رژیم مبارزه پرداخت و آنی از مبارزه و مقاومت دست برنداشت. ایستادگی او در مقابل زندانیان و

بارد یگر رژیم فاشیستی اسرائیل، اردوگاه های خلق قهرمان فلسطین را بمباران کرد

قهرمان ایران و جهان را بمباران کرد با لایح خلق قهرمان کرد که اینک هدف بمب بارانهای رژیم جمهوری اسلامی قرار دارد و هر روز خاشاک خاشاکش با راکت ها و خمپاره های آمریکائی رژیم جمهوری اسلامی بر سرش فرومی ریزند بیش از پیش عمق این جنایات را احسان می کند.

اما این کشتارها نه تنها قسا در نیست توقی در پیشبرد مبارزات خلقها پدید آورد بلکه توده های تحت ستم رادر فلسطین و سایر جها ن ستم ستم و قاطعتر برای نبردی دورا نسا زونها شی آماده تر خواهد ساخت.

بارد یگر خلق قهرمان فلسطین آماج حملات بمب افکنهای همیونیستهای جنایتکار قرار گرفت و صدها نفر از کودکان و زنان فلسطینی را کشته و مجروح ساخت.

این جنایات بر علیه خلق فلسطینی صورت می گیرد که سالها علی رژیم سرکوبیبا کشتارها، آوارگی ها و بی خانمانیها، همچنان قهرمانانه به مبارزات خود علیه امپریالیسم و صهیونیسم ادامه میدهند و اردوگاههای آموزشگاه رزمندگان انقلابی سراسر جهان است.

این جنایت خشم و نفرت خلقهای

شماره هشتم اخباری

رفتگران شهیدان ریکی روزهای جمعه نیز مجبور به جمع آوری زباله ها در سطح شهر بودند. بعنوان استفاده از تعطیلات جمعه از کارمندان کردند. و حقوق روزهای جمعه را نیز قطع کردند. این امر مورد اعتراض رفتگران است. واقعیت حزب جمهوری اسلامی پیشنهاد کرده است در صورتی با آنان حقوق جمعه ها پرداخت شود که در نماز جمعه آنها شرکت جویند!

همچنین روزهای جمعه توبوسها و مینی بوسها ی دولتی در مقابل هتلهای محل اسکان جنگزدگان آمده و با حضور غایب کردن آنان و ایجاد درع و وحشت جنگزدگان را زور به آنها نگاهداری نماز جمعه میبرند. همچنین آنها نکه یحیی مقررری زمینها د شهید میگیرند موظفند در نماز جمعه و راهیما شیها شرکت جویند.

اینکه چه فکری برای آنها شد، جواب دادند "اینها را با یخ زهره تهران بیسرون بریزیم چون هر کجا بروند چهره شهر را کشف میکنند". آری آلونک های کوخ نشینان را چیره شهر را کشف میکنند و خانه های کاخ نشینان را بدمنظره میسازند! اینست استدلال شهردا ر مکتبی و عوامل رژیم جمهوری اسلامی که ادعا میکنند حکومت مستضعفان را برقرار کرده اند!

عین همین ماجرا بر سر دهکداران آمد. درسی امخرد دهک تظا هرات وسیع و خونسین در شهر تهران انجام گرفت با سداران سرما به تعدادی دهک های خیابان مقدق را با شش کتیدند. و پس از آن برجیدن دهکها از سراسر خیابان مقدق، انقلاب و ... آغاز کردید و اینبار بطور کامل آنها را جمع کردند و در محیط ارعاب و ترویی که بوجود آوردند هر معترضی را دستگیر و معلوم نیست چه سروشی در انتظار آنها باشد.

بقیه در صفحه ۲

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر